



مرکز رسیدگی به امور مساجد  
دفتر مطالعات و پژوهش‌ها



# مسجد و مرجعیت

دفتر مطالعات و پژوهش‌های  
مرکز رسیدگی به امور مساجد-قم

## پیشگفتار

مسجد اولین نهاد تأسیسی حکومت اسلامی بود که کارکردهای چند ضلعی و منشورینش آن را از عبادتگاهی صرف به ساختاری تکاپوگر و کانونی ارتقاء داد که نه تنها سامانه عبادی و معناگرایانه دین را تغذیه می نمود بلکه صورت بندی نظم محور جدیدی را در پیکره حیات اجتماعی بر مبنای هنجار اندیشی دینی تعریف و تبیین می نمود. مسجد انگاره ای زمینی با گرایبی آسمانی و وحیانی دست به ترکیب بدیعی زد؛ ترکیبی که در آن فردیت انسان و جامعیت جامعه در هم تنیده شد و برای اولین بار غوغای غامض اصالت فرد یا جمع برچیده شد و دورنمایی روشن با روزه ای از عبودیت تاریخی انسان مجال ظهور یافت و محمل این ظهور مکان مقدسی به نام مسجد بود.

از این رو مسجد تبدیل به سازمانی سامان مند شد که از دل آن دولت و حکومت اسلامی سر بر آورد. حوزه های گوناگون بشری از اقتصاد تا اجتماع، فرهنگ تا سیاست، سلامت تا عبادت و جهاد تا حیات جملگی غایتی قدسی یافتند و در این مکان مقدس (مسجد) انسان مسلمان به تصمیم گیری و بازسازی ذهنی خود در این حوزه ها به مدد وحی همت گماشت و چنین شد که مسجد دانشگاهی بزرگ برای تولید، بازتولید و توزیع هم بسته دانش اسلامی گشت.

فقه، اصول، کلام، تفسیر، تاریخ، نجوم، هیأت و ... سامانه های معرفتی شدند که بر ساخته ذهن دیندارانی سخت کوش و غایت اندیش در مکاتبی به نام مسجد شد.

این آوازه رستگاری بخش بعد از ۱۴۰۰ سال هنوز هم نبض تپنده تمدن اسلامی است که روان آدمی آشفته احوال در حصار اسارت بار مدرنیته بر خوان محرابی چنین مصفا آرامش می گزیند و نفس مطمئنه خود را از گرداب حولناک «خلاً معنویت» به وادی «یقین» بر می گرداند.

ارتباط مسجد و مدرسه و دین و دانش رابطه ای دو سویه و ذاتی است و تفکیک هر یک از دیگری نه در قیاس منطق معقول می آید و نه در قواره معنا می گنجد. مرجعیت به عنوان بزرگترین و تنهاترین دستگاه فقهی - فکری شیعه خط ارتباطی خود و مردم را در ساختار مسجد تبیین می کند لذا مسجد نیز بستری برای پیروان دینی است تا آموزه های اجتهادی مراجع را برایشان درونی و عملیاتی نماید و در همین منظومه ساختار ولایت، مرجعیت، حکومت، فقاها و پیکره مردمی به عنوان قاعده معنا بخش قابل تفسیر است.

بهره گیری از نظرات و دیدگاههای مراجع عظام تقلید به عنوان طلایه داران دانش فقهی و هنجاری مسلمین و الگوهای تقوی و عدالت و اخلاق ضرورتی صد چندان برای مساجد و سیاستگذاران آن است. امروزه با توجه

به شتاب معجزه‌آسای ارتباطات و میزان رو به رشد تأثیرگذاری شبکه مساجد جهان اسلام بر مناسبات معرفتی- رفتاری ساکنان گیتی و از سویی نیاز به محتوا بخشی جاندار و ناب که بر گرفته از فهم صحیح دینی و بینش عمیق اجتهادی باشد، رابطه مسجد و مرجعیت همچنان ذاتی و ضروری تر از گذشته می نماید.

از این رو مرکز رسیدگی به امور مساجد بهره‌گیری از نظریات عالمانه و افقهای متعالی امام و رهبری و مراجع معظم تقلید را فریضه ای واجب برای خود می‌داند و بر همین مبنا از آغاز فعالیت تا به امروز از دیدگاههای بلند پاسداران شریعت و مفسران حقیقت و معنا، برای خود توشه‌ای سبز و سترگ برداشته‌ایم و تلاش کرده‌ایم تا آنها را به صورتی راهبردی و اجرایی، عملیاتی نماییم.

آنچه پیش روست افاضات مراجع عظام تقلید در دیدارهای دست‌اندرکاران امور مساجد با این بزرگان خصوصا در آستانه هفته جهانی، می‌باشد که امید است هر روز از خوان دانش و معرفت اصحاب علم و تقوی که وصل به مخزن عظیم و نامنتهای معارف اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشند منتفع‌تر و بهره‌مند گردیم.

دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد



### حضرت امام خمینی علیه السلام

- من امروز باید بگویم که تکلیف است برای مسلمان ها حفظ مساجد.
- حفظ مساجد امروز جزو اموری است که اسلام به او وابسته است.
- مسجدها را خالی نکنید تکلیف است امروز.
- ای ملت! مسجدهای خودتان را حفظ کنید.
- نهضت را از راه مساجد که دژهای محکم اسلامند زنده نگه دارید.
- این مساجد باید مرکز تربیت صحیح باشد.
- مسجد مرکز اجتماع سیاسی است.



## بیانات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی

حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی)

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

برادران و خواهران عزیز بسیار خوش آمدید، به خصوص خیرمقدم می‌گویم به میهمانانی که از کشورهای دیگر در جمع شما حضور پیدا کرده‌اند.

امروزه دنیای اسلام در وضعی نیست که کوچک‌ترین فرصت را از دست بدهد. این گردهمایی‌ها نیز فرصت مغتنمی است، که باید حداکثر استفاده از آن شود.

### ○ مهمترین کارکرد مسجد

مسجد یکی از امتیازات اسلام و متعلق به مردم است. جایگاه عبادت و ارتباط انسان با خدا به‌شمار می‌رود. مراسم مسجد منحصر در مراسمی خاص نیست، یعنی مانند کلیسا نیست، درهای مسجد باز است. خانه‌ی خدا و ملجأ مردم است؛ مسجد جای توجه، جای ذکر، جای نماز و جای شناخت یکدیگر و محل تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی است. از صدر اسلام تا امروز این معنا مورد توجه بوده است که مسجد، همان‌گونه که در نظر فرد جای توجه به خداست، در مسائل اجتماعی هم جایگاهی است که ممکن است محور اجتماع مردم قرار بگیرد. این مسئله نکته‌ی مهم در کارکرد مسجد است.

## ○ ایجاد عوامل ایجابی و سلبی جذب اجتماعی مساجد

پس استفاده از مسجد برای دنیای اسلام فرصتی مغتنم محسوب می‌شود، منتها چون اجباری در آمدن به مسجد نیست، باید دل‌ها به آمدن مسجد رغبت و شوق پیدا کنند و این ممکن نیست، مگر این که کانون مسجد، شوق‌آور و شوق‌آفرین باشد.

اما چه باید کرد که دل‌ها به مسجد گرایش پیدا کنند؟ یعنی به حضور در مسجد، ماندن در مسجد و عبادت در مسجد شوق پیدا کنند؟ مشکل اصحاب مسجد این است!

البته این فقط مشکل ما نیست؛ در دنیای غیر اسلام هم این مشکل مشاهده می‌شود، اما آنها راه‌های غلطی انتخاب می‌کنند، برنامه‌هایی در مساجد می‌گذارند که با طبیعت مسجد و حقیقت آن در تضاد است. مثلاً در کنار مساجد، سالن‌هایی می‌گذارند که در آن سالن‌ها همان منکراتی انجام می‌گیرد که در کنار کلیسا صورت می‌گیرد، حال آنکه کلیسا موظف به نهی از آن است لکن به وسیله‌ی خود کلیسا در آن سالن‌ها منکراتی صورت می‌گیرد، این نقض غرض است؛ ما برای مساجد چنین چیزی را تحمل نمی‌کنیم.

اما فعالیت‌های گوناگون، از جمله استفاده از ابزارهای تبلیغی، کتابخانه‌های مطلوب، از روش‌های هنری برای تبلیغ مفاهیم دینی و تولید شوق به عبادت، از جمله مواردی است که لازم است در باره آن مطالعه شود.

## ○ شبکه ارتباطی مساجد جهان اسلام

ارتباط بین مساجد در کشورهای اسلامی هم کاری بسیار پسندیده و نیکوست.

## ○ جهت‌گیری دنیای سلطه برضد مظاهر اسلامی

برگزاری هفته‌ی مساجد به مناسبت حادثه مسجدالاقصی و قدس شریف است.

علاوه بر این که خود مسجدالاقصی نقطه‌ای متبرک و محترم در بین مسلمان‌هاست، حادثه مسجدالاقصی و اهانتی که آن زمان به مسجدالاقصی شد، نشان دهنده جهت‌گیری دنیای سلطه برضد مظاهر اسلامی و برضد هر چیزی است که مسلمان‌ها هویت خود را در آن متجلی می‌بینند.

بسیار کار شایسته‌ای کردند که این هفته را به این مناسبت، هفته جهانی مساجد قرار داده‌اند. جزو کارهای شایسته سازمان کنفرانس اسلامی همین انتخاب بود؛ باید این فکر و این دستاویز عقیدتی و سیاسی را رها نکنید تا ان شاء الله این قضیه در دنیای اسلام زنده بماند و ساری و جاری باشد.

## ○ عمران معنوی مساجد

بنابراین، نفس مسئله‌ی مسجد و پرداختن به عمران و آبادی مسجد مهم است، البته عمران مسجد فقط عمران ظاهری و پرداختن به در و دیوار نیست.

عمران معنوی مسجد بیشتر از عمران ظاهری اهمیت دارد. عمران معنوی مسجد با برنامه‌های مسجد، بر عهده امام جماعت و مؤمنانی است که در آنجا عبادت می‌کنند.

## ○ نفوذ اسلامی و عجز برنامه‌های نظام سلطه

هم‌چنین مسئله مسجد الاقصی و توجه دنیای اسلام به خطر صهیونیست‌ها و خطر سیاست‌های امریکایی و صهیونیستی در این منطقه مطرح است و قدرت اثرگذاری اسلام و از طرفی عجز برنامه‌های نظام سلطه برای خنثی کردن نفوذ اسلامی در این منطقه، یعنی علی‌رغم این همه تلاش سیاسی که امریکا و متحدانش در این منطقه انجام می‌دهند و اسرئیل را تجهیز می‌کنند، در عین حال و در مقابل روش‌های نو به نو که از ایمان اسلامی در این منطقه سرچشمه می‌گیرد، آنان درمانده شده‌اند؛ چنانچه ما درست عمل کنیم، با امید و ایمان و ابتکار و خلاقیت عمل کنیم، یقیناً همه برنامه‌های ایشان خنثی خواهد شد. وعده‌ی الهی درست است که فرمود:

﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ﴾<sup>۱</sup> هرکس خدای متعال را نصرت کند، خدا هم به او نصرت خواهد کرد.

بار دیگر به حضار محترم و به همه میهمانان گرمی خوش آمد می‌گوییم و از دست‌اندرکاران این همایش تشکر می‌کنیم. امیدواریم خداوند همه‌ی شما را موفق و مؤید بدارد و ان‌شاءالله این نشست و برخاست‌ها به نتایجی مطلوب و فوایدی درخشان منتهی شود.

والسلام علیکم و رحمة الله.



## گزیده ای از سخنان:

حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی (دامت برکاته)

- در زمان پر خطر کنونی فقط نمی شود به صحبت در مساجد قناعت کرد و ائمه جماعات مساجد باید مردم را نسبت به دستورات شرع، ترغیب و وادار نمایند تا مردم تزکیه و تهذیب شوند.
- شما باید قدر خود را بدانید، مسجد به عنوان محل سجود است و تعمق در احکام مساجد، نشان از جایگاه والای این مکان دارد و اگر قدر و منزلت مسجد آنچنان که هست، درک نشود، مساجد در جهان غوغا می کند.
- مساجد فقط باید برای خداوند و راه او مجهز باشد و اگر چنین شد، آن مسجد مرکز نورافشانی برکات خداوند خواهد شد.
- در مساجد باید اهمیت نماز به مردم تأکید شود و نماز آنچنان که هست برای مردم تشریح شود.
- نمازگزاران را نسبت به قرائت دعای عهد پس از نماز صبح، قرائت حداقل ۵۰ آیه در طول روز و احیاء و برگزاری مراسمات ویژه ایام شهادت حضرت زهراء علیها السلام، حضرت علی علیه السلام و سالروز شهادت امام جعفر صادق علیه السلام، تشویق و ترغیب کنید.





## حضرت آیه‌الله‌العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته)

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و صلى الله على سيدنا محمد و على آله الطيبين الطاهرين و سيما بقيه الله المنتظر ارواحنا فداء و لاحول و لا قوة الا بالله العلي العظيم.

### مقدمه

از دیدار شما بزرگواران و بیاناتی که برادر عزیزمان در شأن نزول و شأن ورود این جلسه ذکر کردند، که بسیار جامع و وافی و کافی بود، بسیار خوشوقتم.

### ○ تبارشناسی و مختصات مسجد

حقیقت این است که مسجد در اسلام پایگاه بسیار عظیمی است، ما اگر تاریخ اسلام را ورق بزنیم و به صدر اسلام برگردیم و زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را ببینیم خواهیم دانست که مسجد پایگاه تمام فعالیت‌های اسلامی بوده است. اولاً مسجد پیغمبر خیلی ساده بود، تاریخ و روایات به ما می‌گویند دیوار آن گلی و به اندازه قامت یک انسان بود. فرشی هم جز حصیر نداشت، خدمت پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمدند عرض کردند یا رسول‌الله، روزهای گرم آفتاب آزارمان می‌دهد روزهای سرد و بارانی، باران مزاحم است، اجازه بدهید سقفی برای مسجد درست کنیم، پیغمبر اجازه داد سقف درست کنند که عبارت بود از ستون‌هایی از نخل خرما و برگ‌های نخل روی هم قرار دادند و تا سال آخر عمر پیغمبر مسجد به همین صورت بود، ولی همین مسجد دنیا را تکان داد.

تمام حقایق را پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در آنجا برای مردم بیان می‌کرد، آیات قرآن را در آنجا برای مردم می‌خواند، مسجد دانشگاه عالی اسلام، [محل تجهیز] سپاه و ارتش پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هم بود، [بسیج] لشکرهای وسیع به سوی میدان‌ها و جنگ‌های اسلامی از همین مسجد شروع می‌شد بیت‌المال اسلام همان جا بود دادگاه اسلام هم همان مسجد بود، بسیاری از دعاوی در مسجد حل و فصل می‌شد؛ یعنی مسجدی به همان سادگی مرکز فعالیت‌های

مهم و وسیع بود و همان بود که باعث پیشرفت اسلام شد و در مدت کوتاهی حرکاتی که از این مسجد شروع شد تمام جزیره العرب را فراگرفت بعد از پیغمبر تداوم یافت و بخش عظیمی از دنیا را فرا گرفت، به قول مورخان صد سال نگذشته بود که اسلام از دیوار چین تا کرانه‌های اقیانوس اطلس گسترش پیدا کرد، این بود مسجد.

### ○ مختصات کارکردی امروزین مسجد

امروز هم مسجد همان مسجد باید باشد و برنامه همان برنامه، البته جامعه گسترش پیدا کرده، تغییرات پیدا کرده، برای بسیاری از مسائل کانون‌هایی فراهم شده، ولی الهام‌بخش باید همان مسجد باشد. یعنی در ادامه‌اش باز باید مسجد باشد.

### ○ مسجد و انقلاب اسلامی

چه در دوران جنگ تحمیلی و قبل از آن در دوران انقلاب مسجد باعث حرکت توده‌های عظیم مردم انقلابی شد، مسجد بود که بسیجیان را تربیت کرد و به میدان جنگ تحمیلی فرستاد و ما را از چنگال دشمنی که همه ابرقدرت‌ها به حمایت از او برخاسته بودند نجات داد. مسجد هست و بود که همه حرکات مردمی برای ساختن مدارس، مساجد، حسینیه‌ها، کتابخانه‌ها، صندوق‌های قرض‌الحسنه و برنامه‌های مردمی، و نظایر این‌ها را سامان می‌دهد، مسجد بود و مسجد هست که عاشورای امام حسین علیه السلام را زنده نگه داشت، همه را باید از مساجد بدانیم و مساجد را باید همان‌گونه فعال کرد، و برای فعال کردن مساجد باید جاذبه‌هایی برای مساجد درست کرد که مسجد جمعیت‌ها را به خود جذب کند مخصوصاً نسل جوان، جوانانی که در خطرند، جوان زیر شبهات سایت‌ها و رسانه‌های بیگانه شب و روز بمباران می‌شوند، جوانانی که زیر بمباران فساد اخلاقی قرار دارند.

مسجد باید جاذبه داشته باشد و این‌ها را به سوی خودش جذب کند، بیمه کند، بسازد و به میدان دشمن بفرستد، این مسجد مطابق روایتی که من این روایت را دیده‌ام اما به خاطر ندارم که منبعش را برای شما عرض کنم، که معصوم می‌فرماید هر کجا مسجدی ساخته شد قبل از آن در آنجا خون شهیدی ریخته شده است، این حدیث خیلی پر معناست، پایه ستون‌های مسجد بر خون‌های شهیدان نهاده شده، تداومش هم ممکن است همین راه باشد مسجد بی‌زحمت به دست نیامد با خون شهید به دست آمد و بدون زحمت تداوم پیدا نمی‌کند ارزان به دست نیاوردیم که از آن ارزان بگذریم این مسجدی که آن روز پیغمبر با آن برنامه ساخت امروز تبدیل شده به مسجد النبی که می‌گویند وسعت مسجد النبی فعلی نزدیک به حدود تمام مدینه زمان پیغمبر می‌رسد، ولی متأسفانه این مسجد با آن عظمت آن کارایی لازم را ندارد.

انسان انتظار دارد در مورد مهم‌ترین مسائل اسلام؛ مبارزه با صهیونیست، مبارزه با ابرجناپیتکاران، مبارزه با کسانی که می‌آیند پیغمبر اسلام را مسخره می‌کنند، مبارزه با آنهایی که به پیغمبر ﷺ اسلام جسارت کرده با رذالت تمام به سلمان رشدی مرتد جایزه می‌دهند، مسجد فعلی که ما می‌گوییم در این جهت گام بر نمی‌دارد. گاهی انسان مشرف می‌شود در آن مسجد می‌نشینند من خود دیدم امام جمعه در باره مسئله جن داشت صحبت می‌کرد، یک وقت درباره سحر و جادو صحبت می‌کرد، از این مسائل، گاهی از یک مسئله مهم صحبت می‌کنند ایها الناس شما که به مسجد می‌آیید دهان شما بوی پیاز ندهد مردم ناراحت می‌شوند. الحمدلله انقلاب اسلامی آمد مسجد را از آن زمان طاعوت درآورد، مساجد عامل حرکت و برنامه حرکت شد، نماز جمعه‌ها، مصلی‌ها، مسجدها فعال شد هر کجا انقلاب اسلامی نفوذ کرد به همین صورت است. کسانی که از عراق آمده‌اند و نماز جمعه‌ها را دیده بودند، تعریف می‌کردند و می‌گفتند حال و هوای اول انقلاب ایران است. جوانان زیاد می‌آیند برای نماز جمعه مساجد، همان شور و نشاط را دارند در لبنان که دیدیم چه شور و نشاطی به پا شد مسجد باید از این نمونه باشد.

#### ○ دشمنان معاصر (دشمن شناسی) و رسالت مساجد

ما سه تا دشمن مهم در دنیای امروز داریم بعضی از آنها تمام اسلام را هدف‌گیری کرده‌اند، [دشمن دوم هم ترویج فساد است] و بعضی [نیز] پیروان مکتب اهل بیت را [هدف‌گیری کرده‌اند]، مساجد باید در برابر این سه دشمن خطرناک بایستد.

#### ۱) مستکبران

دشمن اول؛ همان مستکبران دنیا هستند، آنهایی که می‌خواهند تمام ثروت‌های دنیا به جیب‌شان ریخته شود و جهان سوم مصرف‌کننده اجناس آنها و در واقع برده آنها باشند ولو برده‌داری به صورت دیگر باشد. ما یک حرکت علمی می‌کنیم می‌رویم به سمت جلو از راه‌های مختلف می‌خواهند جلوی حرکت علمی ما را بگیرند. [می‌گویند] ایران نباید انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز داشته باشد صلح‌آمیز نیست، هرچه می‌گوئیم شما شب و روز می‌آیید می‌بینید، پشت سر هم بازرسی می‌فرستید. هدف آنان جلوی حرکت علمی را گرفتن است. تکنولوژی‌ها برای خودشان، علوم دانشگاه و ثروت‌ها مال خودشان، بقیه مصرف‌کننده باشند، اگر ما در مقابل‌تان تسلیم نشویم صبح برق شما را قطع می‌کنند در گرمای تابستان برق از کار می‌افتد داد همه بلند می‌شود مجبور می‌شویم تسلیم بشویم تسلیم فرهنگ‌شان، تسلیم خواسته‌هایشان، تسلیم منافع نامشروع‌شان. این‌ها دشمنان ما هستند.

اخیرا خودشان را نشان دادند می‌کنند این کار زشت و وقیح و بی‌شرمانه‌ای که ملکه انگلستان کردند. حتماً با مطالعه سران کشور انگلستان چنین کاری می‌کنند خودسرانه نمی‌کنند، با دست سیاستمداران نماینده سرمایه‌داران جهان‌خوار چنین حرکت زشتی که انجام شد آمدند به سلمان رشدی مرتد لقب پر افتخاری دادند، [در جواب] چرا این کار را کردید؟ [می‌گویند] ما به خاطر ادبیاتش [چون] کار ادبی کرده، کتاب‌هایی نوشته است. هیچ انسان بی‌مغزی این کار را می‌کند؟ و لو خوب شد این کار را کردند؛ [زیرا] با تمام جهان اسلام طرف شدند، و همه مسلمانان فهمیدند این‌ها دشمنان قدیمی‌اند، انگلستان دشمن قدیمی سرسختی است، آمریکا هم در دامن انگلستان پرورش یافت، در مسئله کاریکاتورهای ضد پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نشان دادند هنگامی که گروهی این کار را کردند ما می‌بینیم سران اروپا تأیید کردند نگفتند کار یک عده روزنامه‌چی بوده است و ما طرفدار آزادی قلمیم نه ما باید به قبل برگردیم.

چرا توهین به پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کردند؟ این‌ها دشمنان ما هستند شمشیر را از رو بسته‌اند و در مقابل ما هستند، ما مسلمان‌ها باید بیدار باشیم، شیعه و سنی همه و همه دست به دست هم بدهیم حرکت هم از مساجد باید شروع بشود.

ما بسیار متأسفیم که اخیراً شنیده‌ایم در مصر بخشنامه‌ای کرده‌اند که برای مساجد گلدسته نساژند و اذان از گلدسته‌ها پخش نشود، اگر برای مساجد گلدسته بسازند هر خارجی وارد شهر بشود می‌گوید گلدسته‌ها سر به آسمان کشیده معلوم می‌شود این‌ها مذهبی هستند موقع ظهر که می‌شود صدای اذان همه جا را می‌گیرد دست‌هایی درکار هست، مصری که از مراکز مهم اسلام است امیدواریم رابطه ما با آنها قوی بشود، یعنی همه دست به دست هم بدهیم و جهان اسلام را واقعاً زنده کنیم در میان همین مصریان، در کنار دانشجویان و دانشمندان الازهر یک همچنین بیانیه‌ها و دستوراتی هم صادر می‌شود، که همین مسجد هم رنگش را از دست بدهد بشود یک عمارت معمولی.

دشمنان ما از خارج دارند با هم کار می‌کنند ایادی آنها و وابستگان آنها در مطبوعات غیرمطبوعات در جاهای مختلف افراد نفوذی دارند این یک دشمن بزرگی است کوتاه سخن عرض کنم اینها یقین پیدا کردند که مانع اصلی برسر راه آنان اسلام است و با صراحت‌ترین را هم می‌گویند کدام اسلام؟ اسلام جهانی، اسلامی که در میدان باشد مثل ایران، نه اسلامی که فقط نماز و روزه داشته باشد و کار به کاری نداشته باشد مثل اسلام زمان شاه.

## ۲) سیل فساد

دشمن دومی؛ که ما داریم سیل فساد است، منهای کارهای جهانخواران یک سیلی حرکت کرده، سیل جهان مادی است، این سیل را این‌ها راه انداخته‌اند. چکار می‌کنند؟ انواع فیلم‌های فاسد، عکس‌های مستهجن، شبهه‌افکنی، دست در دست جهانخواران هم دارند و من امیدوارم بتوانیم در مقابل این‌ها پیروز شویم؛ [چون] در تمام خانه‌ها راه پیدا کرده، ما مأیوس نمی‌شویم ما متکی به فرهنگ غنی اسلام هستیم. فرهنگ غنی اسلام می‌تواند در مقابل این‌ها بایستد.

تجربه‌ای در ایران داریم تجربه دیگری که نسل جدید ما دید تجربه لبنان است نسل جدید تجربه انقلاب اسلامی را در لبنان دید با چشم خودمان دیدیم و تجربه کردیم معلوم شد ﴿كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ﴾<sup>۱</sup> معلوم شد تجربه لبنان نشان داد ما با تکیه بر فرهنگ اسلام می‌توانیم در مقابل این سیل بنیانکن فساد مقابله کنیم، این هم همدلی لازم دارد این هم حرکت از مساجد لازم دارد.

کلاس‌ها برای جوان‌ها گذاشتن، کتابخانه‌ها، سخنرانی‌ها، اردوهای زیارتی، حتی تفریحی که در لابلای این تفریح برنامه‌های فرهنگ اسلامی جاسازی بشود، نشریات، و انواع برنامه‌ها، این هم دشمن دوم است که شما برادران عزیز و آقایان محترم، ائمه جماعات و ائمه جمعه، دانشمندان پژوهشگر باید بتوانید در مقابلش بایستید.

## ۳) سلفی‌های متعصب

دشمن سوم؛ هم که مخصوص پیروان اهلبیت علیهم‌السلام است، سلفی‌های متعصب خونخوار آدم‌کش جانی که در دنیا سابقه ندارد حجاج هم این‌طور نبوده است، هیتلر هم این‌جور نبود، هیچ‌کسی این‌طور نبوده آبروی اسلام را در دنیا بردند که خدا آبروی این‌ها را ببرد، چه جنایت‌هایی در عراق دارند انجام می‌دهند، نه بر پیر رحم می‌کنند نه بر جوان، نه بر کودک نه بر زن، نه بر بنا ولو بنای تاریخی منهای بنای مقدسه نه بر مساجد، هر چه دم دست‌شان می‌آید ویران می‌کنند، اصلاً غیر از ویرانی و خونریزی در مکتب آنها چیزی نیست، این‌ها هم یک جمعیت خطرناکی هستند مخصوصاً در برابر جهان تشیع دیدید در سامراء چه جنایتی کردند.

### ۳-۱- جنایات سلفی‌ها در عراق

یکی از شخصیت‌های عراق به من گفت اصلاً یک کامیون توقیف کردند بارش ده تن مواد منفجره داشت، ده تن شوخی نیست، کجا بارگیری شده، آوردند تقسیم کنند یا یکجا ببرند یک شهر را ویران کنند، ما چنین دشمنانی

داریم کسانی هم به این‌ها کمک می‌کنند ولی من بشارتی رادر مقابل این به شما عرض کنم که شما آگاه به این بشارت هستید و آن این است همه این‌ها به این خاطر است که پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام روز به روز در دنیا قوی‌تر می‌شوند، بعد از پیروزی انقلاب بزرگ ایران این‌ها فعال شدند، چرا؟ برای اینکه در کشورهای اسلامی یک آمار زیادی دارندگرایش به مذهب اهل بیت علیهم‌السلام پیدا می‌کنند، همه ما دست به دست هم بدهیم و مذهب اهل بیت علیهم‌السلام را احیاء کنیم.

### ۲-۳ - جنایات سلفی‌ها در مدینه

بسیار جای تأسف است که در مسجد مدینه در کنار خانه خدا کنار قبر پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به شیعیان بدترین اهانت‌ها را می‌کنند، ما یک نامه‌ای به وزیر محترم خارجه نوشتیم که اقدامات زیادی کردند. اخیراً به ما جواب دادند که اقداماتی شده ولی در عمل حاجی‌هایی که آمدند می‌گویند وضعیت بهتر نشده یکی از مراجع اخیراً آمده بود می‌گفت به او هم در آنجا توهین کردند یکی از دیپلمات‌های عالی رتبه رفته بود به او هم توهین کردند من در اینجا عرض می‌کنم نباید به آن قول‌هایی که داده‌اند دولتمردان ما قناعت کنند اگر این وضع ادامه پیدا کند والله چنین عمره‌ای به نفع عالم تشیع نیست و ما اگر ناچار شدیم به سهم خودمان با سایر مراجع عمره را تحریم خواهیم کرد.

مراجع شیعه با این قدرت و قوت آن وقت آنها چهار نفر افراد را پیدا بکنند و به زبان فارسی آشنا بشوند و توهین بکنند؟ این چه مستحبی است که ما انجام می‌دهیم؟ آنها خیال می‌کنند با این کارها جلوی پیشرفت تشیع گرفته می‌شود، سازمان حج، دولتمردان همه باید برای این مسئله فکر بکنند، که آیا این وضع ادامه‌اش به نفع جامعه تشیع است یا خیر، برای جوان شبهه‌افکنی می‌کنند. بارها گفته‌ایم حرف حساب دارید سران‌تان بیایند بنشینند در یک مجلس با هم صحبت کنیم منطقی از رسانه‌ها پخش بشود چهار تا بی‌سواد را فرستادند آنجا فحاشی کنند این باعث پیشرفت شماست؟

### ○ نقش مساجد در شبهه‌شناسی

شما باید در مساجد جواب شبهات آنها را بدهید. خیلی هم جواب شبهات روشن داده شود مخصوصاً جواب‌های تقضی. من با هر یک از علمای آنها صحبت کردم که بابا شما می‌گویید باید قبور خراب بشود این گنبد و بارگاه با عظمت پیغمبر در میان شما چه می‌کند؟ هیچ جوابی ندارند، بهانه‌های مختلفی می‌آورند بعضی می‌گویند ما می‌ترسیم از مسلمانان دنیا، و الا این راهم ویران می‌کردیم.

شما معنی شرک را نفهمیده‌اید، در مساجد معنی شرک باید بیان شود، وقتی می‌گوییم شما قرآن را می‌بوسید می‌گویند بله این سنت است، حجرالاسود را می‌بوسید می‌گویند سنت است، زمین را می‌بوسید، یا حجرالاسود شرک است، پس معلوم می‌شود دو شرک داریم شرک جایز و شرک حرام. شرک جایز که حجرالاسود را و جلد قرآن را می‌بوسید این‌ها را باید در مساجد تبیین کرد کتاب‌هایی هم در این زمینه نوشته شده جوانان را باید بیمه کرد در مقابل این شبهات.

### ○ تکریم هفته جهانی مساجد

به هر حال فکر می‌کنم زیاد صحبت کردم، ببخشید، بسیار کار خوبی است که در این هفته جهانی مسجد دست به دست هم بدهیم با مراجع تماس می‌گیرید کنار هم می‌نشینید کتاب می‌نویسید، برنامه‌هایتان را هماهنگ می‌کنید با منطق و ادبیات زمان و (ان‌شاءالله لطف خدا شامل حال شما می‌شود)، قرآن وعده داده ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾<sup>۱</sup> خدا ما را تنها نمی‌گذارد خدا وعده داده ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾<sup>۲</sup> وعده خدا تخلف ناپذیر است ما قلبمان محکم است به یاری خدا هم در دنیا هم در آخرت ان‌شاءالله پیش می‌رویم و عنایات امام زمان عجل الله فرجه شامل حال ما خواهد بود من به سهم خودم در خدمت شما هستم. امیدواریم بتوانیم گام‌هایی که شایسته است برداریم من از حضور همه شما تشکر می‌کنم و امیدوارم موفق و پایدار باشید.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱ - عنکبوت : ۶۹

۲ - غافر : ۵۱



## حضرت آية الله العظمى صافي گلپایگانی (دامت برکاته)



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على  
سيدنا ابى القاسم محمد و آله الطيبين الطاهرين  
المعصومين سيما مولانا بقیة الله فى الارضين و  
لعن على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين.

مقدمه

بسیار تشکر می‌کنم و امیدوارم که همه ما با عنایات

حضرت بقیة الله ارواحنا فداءه موفق باشیم و در این زمان احساس مسؤلیت بکنیم و وظایف بزرگی را که به عهده  
ما قرار داده شده است ان شاء الله به نحو احسن انجام دهیم تا موجبات شادی وجود مبارک ایشان را فراهم کنیم.

### ○ مساجد و رسالت ائمه جماعات

از جمله مسائل بزرگ و سنگینی که به دوش ائمه مساجد و جماعات هست و در اسلام هم مورد توجه است،  
(وقتی که انسان تاریخ را مطالعه می‌کند)، نقش مساجد همیشه در جامعه اسلامی عزت آفرین بوده است و  
حفاظت حریم دین و احکام اسلام و تبلیغات دین و امر به معروف و نهی از منکر و بیشتر از آن جهاتی که  
مربوط به بقای اسلامی و مذهب و شعائر است همه توسط مساجد و ائمه جماعات مساجد و کسانی که در  
مساجد اجتماع می‌کنند همه این‌ها از سوی آنها اجرا می‌شده است.



مساجد و حیات دینی؛ یعنی در حیات دین حیات مساجد نقش اساسی داشته است و الآن هم در کل عالم اسلام این نقش را ایفا می‌کند و از همین آیه شریفه ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ﴾ استفاده می‌شود که مساجد برای مردم است و مردم باید مساجد را آباد کنند و البته اول جایی که خداوند متعال برای مردم قرار داده از همین آیه معلوم می‌شود که کعبه است.

بیوت دیگری که برای عبادت خداوند متعال تأسیس می‌شده و می‌شود همه برای مردم است، برای این که مردم از این مساجد استفاده بکنند و بهره‌مند بشوند در حیات معنوی از بعد اخلاقی، امر به معروف نهی از منکر، استقلال و عزت و همه چیز مسجد بسیار اهمیت دارد.

سنگربانان دین؛ جماعتی که در مساجد تشکیل می‌شود و ائمه جماعتی که در مساجد نقش ایفا می‌کنند و مردم را راهنمایی و هدایت می‌کنند و از حدود و ثغور مذهب حمایت می‌کنند و مردم را بیدار و آگاه می‌کنند. این‌ها وظایف بزرگی دارند که اجر و ثواب آن را نمی‌توانیم تصور بکنیم که چقدر است.

تلاش سنگینی را که باعث خشنودی خلق و خداوند متعال می‌شود عهده‌دار هستند. تأکیدی که ما در روایات می‌بینیم و راجع به مساجد و راجع به نماز جماعت در مسجد است، راجع به این که مردم با مساجد ارتباط داشته باشند و قطع ارتباط نکنند. این ثواب‌ها و فضیلت‌هایی که مقرر شده است این‌ها گزاف نیست این‌ها براساس این اصل است که مسجد اگر چنانچه برقرار باشد و در جامعه نقش خود را ایفا کند می‌شود گفت همه جهات جامعه بواسطه آن تأمین می‌شود و همه کارها اصلاح می‌شود. مسجد در اصلاح امور نقش دارد.

### ○ ثواب نماز جماعت

در کتاب من لایحضره الفقیه صدوق رحمته علیه راجع به ثواب نماز جماعت در مسجد می‌نویسد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: کسانی که مردم را ترغیب می‌کنند که در مساجد حضور پیدا کنند این‌ها نظر به برکاتی است که مساجد و حضور مردم در مساجد باعث قوت و شوکت اسلام است آنهایی که نقشه‌های بد دارند آنها مرعوب می‌شوند وقتی ببینند که مساجد مسلمان‌ها مملو از جمعیت است و مردم حضور دارند. این تأکیدی است که در روایات فرمودند، براساس این برکاتی است که در مساجد و اجتماع مردم در مساجد وجود دارد و با حضور مردم در مساجد این برکات حاصل می‌شود می‌فرماید:

«مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَايَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ مُجِيَّ  
عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَ رُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ»<sup>۱</sup>

چه مسئله‌ای است که این همه اهمیت دارد؟ در مساجد و نماز جماعت‌هایی که در مساجد برقرار می‌شود کسانی که حضور پیدا نمی‌کنند و محروم هستند این‌ها از چه سعادت‌هایی محروم می‌شوند. در آنجا تبلیغ دین می‌شود، احکام اسلام را فرا می‌گیرند با مؤمنین ارتباط پیدا می‌کنند این همه برکات مساجد است اگر مسلمان‌ها و مؤمنین این روایات را ببینند و شاهد باشند به این‌که در درگاه خداوند کسب حسنات بکنند، حسنات خودشان را اضافه بکنند، گناهان‌شان را از بین ببرند و درجات اخروی را و تقرب‌شان را به خداوند متعال زیاد بکنند [در آن صورت همه اصلاح می‌شوند].

### ○ فضیلت امام جماعت و مسجد

روایت دارد به اینکه مسجد و امام جماعت هم همین‌طور است؛ امام جماعت وقتی در مسجد باشد و برای خدا نماز جماعت بخواند ثواب همه این‌ها در نامه عملش هست صددرصد ثواب همه آن‌ها در نامه عمل او بیشتر نوشته می‌شود، حالا این هفتاد هزار گناه برداشته می‌شود، هفتاد هزار حسنه نوشته می‌شود، هفتاد هزار درجه بلند می‌شود ولی اگر در این حال باشد که با مسجد و نماز جماعت ارتباط داشته باشد.

انسانی که مؤمن است انسانی که می‌خواهد در درجات آخرت به مقاماتی نائل بشود این چه برکتی است که در نماز جماعت و حضور در مساجد است.

در روایات داریم که اگر حاجتی دارید که می‌خواهید برآورده شود بروید در مسجد حاجت شما برآورده می‌شود در جامعه باید مردم ارتباط با مساجد داشته باشند آن‌جا بروند همدیگر را ببینند با یکدیگر صحبت کنند امر دنیا و آخرت‌شان اصلاح شود و البته همه این‌ها تأثیرات دین است و مشکلات در مسجد حل می‌شود.

این ارتباط با مسجد اگر برقرار باشد خداوند متعال هفتاد هزار ملائکه را گمارده تا بروند از او در عالم برزخ احوال‌پرسی کنند و عیادت بکنند. در تنهایی عالم برزخ انسان آنجا چقدر محتاج است که کسی بیاید احوالش را پیرسد و سراغش را بگیرد، حالا هفتاد هزار ملائکه به امر خداوند متعال آنجا احوال‌پرسی می‌کنند و انیسی می‌شوند این‌ها «یستغفرون له» تا وقتی که در روز قیامت مبعوث می‌شود، آنها برایش استغفار می‌کنند.

۱- وسائل الشیعة ج: ۵ ص: ۲۰۱

مقصود این است که اهمیت مسجد و نماز جماعت و حضور مردم در مساجد بسیار زیاد است. باید ما کاری بکنیم که ان شاء الله تداوم یابد.

### ○ مسجد پایگاه تربیت و انسان‌سازی

ولی ما ویژه باید به این مسئله و موضوع عنایت داشته باشیم و برکاتی را که از جهت مساجد و حضور در اجتماعی که در مساجد می‌شود تلاوت قرآن مجید و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام این وعظی هم که می‌آیند در مساجد صحبت می‌کنند (البته شرایطش باید ملاحظه بشود.) [در یک جمله] مسجد مرکز آدم‌سازی است. در مجموع مسجد را خداوند متعال دارای برکات بزرگی قرار داد که ما داریم، از نعمت‌های بزرگ که بر این امت است، مسجد است.

حالا آقایان راجع به مسجد سؤال می‌کنند که مسجد را باید تعمیر کنیم، باید اهمیت بدهیم اما آن‌طور نباشد که در روایات هست که در آخرالزمان مساجدتان از لحاظ بنا و ظاهر آباد است، اما از لحاظ هدایت و از لحاظ اجتماعات و از لحاظ جهت‌های معنوی خراب باشد<sup>۱</sup> باید مساجد از همه جهات آباد باشد.

### ○ ائمه جماعات و مقابله با انحرافات و سلطه

عزیزان و بزرگواران که عهده‌دار مسؤولیت امامت جماعت هستند در این شرایط و در زمان ما وظیفه بزرگی دارند؛ حفظ دین، حفظ انقلاب، حفظ مملکت، این‌ها در موقعیت، اید متوجه اوضاع و احوال آن منطقه باشند. اگر چنانچه می‌بینند که ضعف دینی و اخلاقی در آنجا هست باید این ضعف‌ها را شناسایی کنند، برطرف کنند، خودشان را مسئول بدانند، احساس مسؤولیت بکنند؛ یعنی اگر ببینند در آنجا کار خلاف شرعی انجام می‌شود، منکری انجام می‌شود، کسی بخواهد به حق کسی تجاوز کند، همان‌طوری که از او دفاع می‌کند باید در جهت دفاع از دین و دفاع از حرمت‌های الهی و برای حفظ احکام الهی باید آماده باشند و این وظیفه را ادا کنند. برنامه‌هایی که آقایان انجام می‌دهند همه این‌ها بسیار با اهمیت است و اینکه با همدیگر ارتباط و مشورت داشته باشند در مسائلی که در جامعه هست و مستقل هم باشند. مستقل فکر کنند و کار بکنند. اوضاع را زیر نظر داشته باشند و آن وقت در این شرایط وظایف سنگینی را که ما به عهده داریم ان شاء الله به نحو احسن انجام بدهیم از این جهت اگر نگاه بکنیم مسؤولیت خیلی بزرگ است.

۱ - سیّأتی علی الناس زمان... مساجدهم غامرة و هی خراب من الهدی - کافی ج: ۸ ص: ۳۰۸

فرصت‌هایی که در مساجد برقرار می‌شود این‌ها مردم را راهنمایی می‌کنند. مساجد این‌ها را نگه می‌دارد تا زمانی که این‌ها در مساجد نقش دارند، عمرشان را صرف می‌کنند حیات‌شان را در مسجد صرف می‌کنند چه خدمتی بالاتر که انسان دین خدا را نجات بدهد یک جمعی را هدایت بکند «خَيْرٌ مِّمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ»<sup>۱</sup> آن اشخاص استقلال داشته باشند که برای انجام این وظایف از همدیگر مواظبت داشته باشند کار بسیار بزرگی است.

امیدوارم که خداوند متعال توفیقات شما را زیاد کند و توجهات آقا امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) را شامل حال همه ما بکند که ما باید در این زمان مسئله مهمی که هست با مسجد ارتباط داشته باشیم و فراموش نکنیم که باید حفظ بشود. باید برای تحقق مطالب و مقاصد امام زمان (علیه‌السلام) همه تلاش بکنیم امام زمان (علیه‌السلام) این‌طور نیست که الآن نظر نداشته باشد، ایشان نظر دارد امام زمان حاجت دارد، حوائجش را ما باید برآورده سازیم. ما باید مواظب باشیم که مقاصد و مطالب امام زمان (علیه‌السلام) و حوائج ایشان از ما باید در جامعه برآورده شود. حاکمیت اسلام بر این مملکت از مقاصد امام زمان (علیه‌السلام) است این که معروف، معروف باشد و منکر، منکر باشد. معروف منکر نشود و منکر معروف نشود.

این‌ها همه هست و حوائج مسلمان‌ها، همه این مسائل ارتباط با امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) دارد که دشمن‌ها روزی یک کار جدید برای مسلمان‌ها و مخصوص برای شیعه آل‌الله (علیهم‌السلام) دارند البته این جنگ بین حق و باطل است، برای این‌که در این عرصه موفق باشیم در اسلام این مساجد است، این مساجد سنگر است، محراب محل حرب هم هست، در این محراب که هستیم داریم جنگ با کفر و شرک می‌کنیم. ما اظهار توحید می‌کنیم، الله اکبر می‌گوییم، بحول‌الله و قوته اقوم و اقعده می‌گوییم، آنان به سلمان رشدی جایزه می‌دهند این‌ها برای این که تریبون را از دست مسلمان‌ها بگیرند از طرف پادشاه انگلستان همین لقب «سِر»<sup>۲</sup> را به سلمان رشدی می‌دهند این‌ها جزو برنامه‌هایی هست که مداوم است. ولی در مقابل این‌ها نتوانستند کاری بکنند.

---

۱ - احتیاج ج: ۲ ص: ۲۸۹

۲ - sir

## سخن پایانی

در این برنامه‌ها و استقامت مسلمان‌ها قوت دین و مذهب و قوت معارف الحمد لله به برکت اهل بیت علیهم السلام در اختیار ما هست، این‌ها همه توطئه‌ها را خنثی می‌کند و این علماء و بزرگواران و ائمه جماعات حضورشان باعث می‌شود که سنگ‌های الهی همه محکم و استوار برقرار بماند.

ان شاء الله هرچه بنده عرض بکنم شما خودتان آگاه هستید، من دعا می‌کنم که خداوند متعال شما را مورد عنایات و توجهات خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار بدهد و در این پست و مقام که هستید ان شاء الله بتوانید به نحو احسن به مذهب اسلام خدمات خوبی داشته باشید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.



### آیت الله العظمی جوادی آملی (دامت برکاته)

السلام علیکم ورحمة الله و برکاته. اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم. مقدم شما بزرگواران، ائمه محترم جماعات و مسؤولان محترم مرکز رسیدگی به امور مساجد را گرامی می‌داریم. از ذات اقدس اله مسئلت می‌کنیم خدماتی که شما بزرگواران و سایر ائمه محترم جماعات ارائه فرمودند با حسن وجه بپذیرد و توفیق ارائه خدمات برتر و بهتر را هم به همه بزرگواران، برادران و خواهران مرحمت کند.

#### ○ رسالت علما

مطلب اول: آنچه وظیفه ما معممین و کسانی که در کسوت روحانیت قرار داریم را افزایش می‌دهد، این است که در کشوری که ما زندگی می‌کنیم که الآن هفتاد میلیون جمعیت دارد، حداکثر یک میلیون دین‌شان را به وسیله قرآن و روایت دارند بقیه که اکثریت قریب به اتفاق اند یعنی تقریباً ۶۹ میلیون دین‌شان را به وسیله شما علما دارند، این مردم که مسلمانند به وسیله مسجد و حسینیه مسلمانند، قبلاً اساتید ما، پدران ما، علمای دیگر، دین مردم را حفظ کردند الآن شما آقایان این مهم را عهده‌دار هستید. پس کار کمی نیست الآن شما از این ۶۹ میلیون سؤال بکنید معارف دین، احکام دین، اصول دین، فروع دین و احکام فقهی را می‌گویند علمای ما گفته‌اند. این چنین نیست که آنها از قرآن و روایات بخواهند بهره‌برداری کنند، این کار کمی نیست حوزه رسالت شما آقایان بسیار وسیع است.

## ○ علما وارثان انبیاء

مطلب دوم: آن است که این کار بهترین وراثت انبیاست که «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»<sup>۱</sup> این وراثت انبیاست. حالا در کشورهای دیگر دین‌شان را از علمای آن منطقه دارند و در این کشور مردم ما دین‌شان را از شما آقایان دارند.

پس مهم‌ترین کار را شما آقایان می‌کنید و کاری به عظمت کار شما نیست و اگر برکتی به اسم انقلاب اسلامی، استقرار نظام پیدا شده است این جزو فروعات و ثمرات کار روحانیت است، این مساجد را شما زنده نگه داشتید، حسینیه‌ها را احیا کردید، دین مردم را حفظ کردید، این مردم به برکت مسجد و حسینیه و دین، انقلاب کردند.

در جنگ جهانی اول ایران خسارت دید، در جنگ جهانی دوم ایران غرامت دید، در کودتای ننگین ۲۸ مرداد ایران خسارت دید، اما وقتی صحبت از مسجد و حسینیه و روحانیت شد، ایران تمام خسارت‌ها و غرامت‌های قبلی را به غنیمت تبدیل کرد و برای اوضاع جهان کنونی هم حرف برای گفتن دارد، مگر این کار را شما نکردید؟ کار کوچکی انجام نمی‌دهید و کار کمی مسجد نمی‌کند.

## ○ علماء ستون دین

مطلب سوم این که سرانجام دین یک ستون دارد، ستون دین نماز است «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ»<sup>۲</sup> این که خدای سبحان فرمود قرآن، کتاب حکیم است، شاید در نوبت‌های قبل هم گفته‌ام کتاب حکیم و مکتب حکیم حرف‌هایش حکیمانه است.

اگر دین می‌گوید نماز ستون دین است اگر همین دین در یک روایت یا در یک آیه به ما بگوید نماز بخوان جای سؤال است و اشکال، آن اشکال این است که ستونی که خواندنی نیست این است که در صدر و ساقه قرآن سخن از اقامه نماز است، این می‌شود حرف حکیم می‌شود کتاب حکیم، چه این که اگر عمود است عمود را که نمی‌خوانند عمود را اقامه می‌کنند خاصیت حکمت قرآن که «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»<sup>۳</sup> این است. یس و القرآن الحکیم این است که اگر نماز عمود شده، عمود را اقامه می‌کنند، ستون و اقامه ستون به دست شما آقایان است، مگر هر کس می‌تواند ستون دین را حفظ بکند؟

۱- کافی ج: ۱ ص: ۳۲

۲- الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ

۳- بقره: ۱۲۹

اگر گفته شد اقيموا الصلوة ستون به دست امام جماعت هاست. سرانجام اين آقايانى كه به شما اقتدا مى كنند به ائمه جماعات اقتدا مى كنند، فقط ساكتند مى بينند شما چه مى گوئيد تريون دست شماست، شما نماينده مردم در سخن گفتن با خدا هستيد.



### ○ علماء و كمال عدالت

**مطلب چهارم:** اين كسى كه اقامه دين و نگهدارى ستون دين به دست اوست اين خودش بايد قائم به قسط باشد و قائم به قسط بودن هم كافى نيست، بايد قوام به قسط باشد اينكه ذات اقدس اله در بخشى از آيات دارد كه كتابها را به انبيا داد كه **«لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»**<sup>۱</sup> بر هر كاسى، بر هر كارگرارى، بر هر كارمندی واجب است. اين مى شود قيام به قسط.

اما اين قيام به قسط كه در سوره حديد آمده است اين براى امام جماعت كافى نيست، عادل بودن كافى نيست؛ چرا؟ براى اين كه اين مى خواهد ستون دين را نگه دارد، كسى مى تواند ستون را نگه دارد كه نه تنها قائم باشد، بلكه بايد قوام بالقسط باشد، اين كه در بخشى از آيات مثل سوره مباركه مائده و مانند آن به قاضى دستور مى دهد كه شما **«كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ»**<sup>۲</sup> باشيد.

اين يك آيه، آيه ديگر همين است كه اگر كسى با اموال مردم، با اعراض، با عقايد مردم كار دارد، اين عادل باشد، كافى نيست، اين قائم به قسط باشد، كافى نيست، اين بايد قوام بالقسط باشد.

غالب شماها اين كتابها را درس گفتيد يا بحث كرديد، مى بينيد در خيلى از مسائل مى گویند كه عدالت شرط است، عقل شرط است، اما نسبت به كارهاى مهم مثل قضا مرحوم محقق **رحمته الله عليه** يا كسان ديگر مى گویند اگر كسى عاقل بود كافى نيست؛ **«يُعْتَبَرُ فِيهِ كَمَالُ الْعَقْلِ»**، يك عقل برترى باشد اين كمال عقل براى اين است كه اموال مردم، اعراض مردم دست اوست همان طوري كه در مسئله قضا كمال عقل است در مسئله نماز جماعت و نماز جمعه كمال عدالت است، اين كمال عدالت به قوامين بالقسط تعبير شده است.

۱ - حديد : ۲۵

۲ -



بنابراین بر همه واجب نیست که قوامین بالقسط باشند چون همه مسئولیت سنگینی ندارند. اما آن کسی که تربیون دست اوست و دارد حرف مردم را به خدا می‌رساند مستحضرید این‌هایی که اقتدا می‌کنند در برخی فتواها هست که قرائت حمد و سوره بر این‌ها (مأمومین) حرام است این‌ها فقط باید گوش بدهند وجود مبارک امام باقر علیه السلام می‌فرماید که این آیه ﴿وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾<sup>۱</sup> این [فَاسْتَمِعُوا] که امر هست، بلکه امر هست، واجب است، اما یخصّ بالصّلوة، در نماز جماعت این‌طور است، ولی این‌طور نیست که اگر در مسجد کسی قرآن می‌خواند، بر همگان واجب باشد گوش بدهند و حرف زدن حرام باشد، بلکه مستحب است گوش بدهند اما وجود مبارک امام باقر علیه السلام می‌فرماید این امری که دارد حتماً باید گوش بدهید این برای نماز جماعت است. حالا یا واجب یا مستحب این‌ها نباید حرف بزنند.

شما آقایان و سایر ائمه جماعت نماینده مردمند. تربیون دست این‌هاست حرف مردم را باید به خدا برساند اگر کسی حواسش جمع نباشد این حرف مردم را به خدا نرسانده است ذات اقدس اله فرمود: بلکه تو بیا جلو بینیم این‌ها چه می‌گویند پس ما که جلو ایستاده‌ایم باید حرف مردم را به خدا برسانیم خدا که بکل شیء علیم است اما گفتن، درخواست کردن، درخواست دادن، تضرع کردن، مطلوب اوست؛ ﴿قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ﴾<sup>۲</sup>

### ○ علما و پیام‌رسانی صحیح

مطلب دیگر این که در این گیر و دار ما باید هم قوام بالقسط باشیم و هم حرف مردم و خودمان را با هم به پیشگاه ذات اقدس اله برسانیم این‌جا شیطان کاملاً رهزنی می‌کند شیطان سابقه شش هزار ساله داشت، کسی که شش هزار سال عبادت کرده بود و آن قدر لجاجت و عصبانی است که محصول شش هزار ساله خود را یک‌جا به آتش می‌کشد، این به کسی رحم نمی‌کند.

مثل شیطان، دومی خلق نشده که نتیجه شش هزار ساله خود را یک‌جا بسوزاند عدو مبین ماست، پس کسی نیست که راه و چاه را نداند و نداند چه خبر است این نمی‌گذارد که ما حرف خودمان را به خدا برسانیم. چکار می‌کند، ممکن است یک کسی گناهان عادی داشته باشد، ولی موقعی که تربیون دستش هست حرف را درست ادا می‌کند و او می‌خواهد (شیطان) که این آدم حرف را درست ادا نکند.

۱ - اعراف : ۲۰۴

۲ - فرقان : ۷۷

موجود رهزن آگاهی است و آگاهی شیطان در این است که او همه آیات قرآن را بلد است چون همه را می‌داند، چه خبر است و چه شنیده است تا نداند که نمی‌تواند رهبری کند او می‌داند که راه صحیح چیست و بعد سوگند یاد کرده که ﴿لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ﴾<sup>۱</sup> آدرس داده که من سر راه راست و مستقیم می‌نشینم برای اینکه آنهایی که بیراهه و کژ راهه رفتند جزو تیول منند، این‌ها اگر راه راست هم بخواهند بروند من راهشان را می‌بندم لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ پس او راه راست را بلد است.

آنچه مشکل ماست و او کمین کرده که ما را فریب بدهد چیست؟ این است که ما را گرفتار بکند به یک راه و گناه غیرقابل بخشش، در قرآن او می‌داند که خدای سبحان فرمود هر گناهی را که توبه کردند، کردند اگر توبه نکردند، امید بخشش آن هست بی‌توبه و الا با توبه حتی شرک را هم می‌بخشد این همه مشرکان بودند که توبه کردند، اسلام آوردند و بخشیده شدند، الیوم هم کمونیست‌ها اگر توبه کنند توبه‌شان پذیرفته است، مسلمان می‌شوند.

دیگر این که فرمود ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾<sup>۲</sup> همه مشرکان عالم توبه کردند و خداوند توبه‌شان را قبول کرد اگر مشرکان توبه کنند توبه‌شان پذیرفته است این که فرمود ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ فرمود ﴿لِمَنْ يَشَاءُ﴾ این ﴿لِمَنْ يَشَاءُ﴾ دو نکته دارد؛

اول چقدر؟ دوم نسبت به چه کسی؟ دیگر همیشه ما تا زنده‌ایم بین خوف و رجائیم، شاید مشمول مشیت او نباشیم.

او که به نحو موجه کلیه وعده نداده، این که در سوره مبارکه زمر به نحو موجه کلیه وعده داده توبه است ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾<sup>۳</sup> [الذُّنُوبَ] که جمع محلی به الف و لام است با جمیعاً تأکید اما به کی فرمود: ﴿وَ أُنْيَبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَ أَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ الْعَذَابُ﴾<sup>۴</sup>

به جمع گناهان با توبه بخشیده می‌شود این موجه کلیه است، هر کس توبه بکند ذات اقدس اله او را می‌بخشد، اگر غیرمسلمان است، مسلمان می‌شود. اگر یهودی است، مسلمان می‌شود، البته حق الله و حق الناس را بایستی

۱ - اعراف : ۱۶

۲ - نساء : ۴۸

۳ - زمر : ۵۳

۴ - زمر : ۵۴

بدهد؛ اما این که در سوره مبارکه نساء فرمود: ﴿وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ﴾ بی توبه است؛ چون بی توبه است نفرمود جمیعاً یک وقت کسی است که پدر شهید دارد و خانواده شهید است و پسر شهید دارد، یا پدر روحانی دارد و پسر روحانی دارد و خدماتی از اهل بیت علیهم السلام و خاندان او نصیب می شود خوب مشمول رحمت خدا قرار می گیرد، ولد صالح بوده ما چه می دانیم اسرار الهی چیست؟ این را یقین داریم که مشیت او همراه حکمت اوست، این که امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه فرمودند:

«وَيَا مَنْ لَا تُبَدَّلُ حِكْمَتُهُ الْوَسَائِلُ»<sup>۱</sup>

خدایا تو همه کارهایت حکیمانه است، ما هر چه گریه کنیم، ناله کنیم، توسل بجوئیم که معاذ الله تو کاری برخلاف حکمت بکنی این شدنی نیست، ما این را قبول داریم این طور نیست که حالا اگر کسی گریه کرد خدا معاذ الله کاری برخلاف حکمت بکند، این طور نیست. اگر کسی را نمی آرز، حکیمانه است. حالا منشأ آن چیست؟ خودش می داند، شیطان همه این ها را بررسی کرده بود، گفت من باید این ها را گرفتار گناهی بکنم که بخشش ناپذیر باشد.

### ○ گناه نابخشودنی

آن گناهی که غیر قابل بخشش است و در ماها این خطر هست مسئله ریاست، جاه طلبی است که شرک است، ما را که نمی گوید یهودی و یا مسیحی شو، ریا اگر شرک است که شرک است، این بخشوده نمی شود. ما را با این دام می گیرد، بین چند نفر پشت سرت آمدندف بین چه کسانی هستند، بین اسمت را با چی می برند، بین القابت را با چی می برند، با این بازی ها و الا معاذ الله بما که نمی گوید بیا فلان معصیت را بکن بما می گوید چه کسانی پای منبر شما هستند؟ چقدر دنبال تو هستند؟ اسمت را چگونه بردند؟ کجا نشستی؟ و از این بازی ها. او در حوزه مسجد و مسجدی ها مسئله ریا و سمعه را مطرح می کند که شرک است، دیگر حالا آن شرک جلی به هیچ وجه ثمربخش نیست، این هم شرک است، دیگر این هم هست که تا کسی را تطهیر نکنند وارد بهشت نمی شود، چه کسی طاقت دارد؟ این بیان نورانی امام سجاد علیه السلام فرمود به قدری که طاقت دارید آتش را در دست تان نگه دارید گناه بکنید.

این که همیشه باید مواظب باشیم که چه کسی را اطاعت می کنیم، گذشته ها این کارها را کردند دین را حفظ کردند نشانه حفظ دین مردم، همین جریان جنگ است، همین جریان شهدای گمنام است فقط برای احترام عترت رفتند

۱ - الصحیفه السجادیة، ص. ۶۸

این جور بود، خدای ناکرده الآن هم اگر بیگانه‌ای بخواهد طمع خام بکند و حمله بکند مردم همین‌طور هستند، مردم حسینیّه و مسجد خیلی از علما و بزرگان، خوب حفظ کردند الآن بعهدہ ماست ما باید خوب حفظ کنیم. ما باید هر روز مواظب باشیم که این از کجا دارد می‌آید که آیا اسم مرا اول بردند یا نه؟ اسم مرا به چه لقب بردند من بالا نشستیم یا نه؟ این بازی سر از آن ریا و آن جاه‌طلبی در می‌آورد و این می‌شود شرک و این شرک قابل بخشش نیست: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ﴾.

اینکه ذات اقدس اله فرمود شیطان را عدو مبینی اتخاذ کنید فاتخذوه عدوا یعنی بشناسید چکار دارد می‌کند ما اگر تحلیل عقلی و تفسیری روایی نکنیم و ندانیم چگونه و چرا می‌خواهد ماها را بگیرد خب نمی‌توانیم پرهیز کنیم.

ما چه کار داریم به این‌که این کسی که در شرق عالم است یا در غرب عالم است، شیطان چطور فریبش می‌دهد، ما باید مشکل خودمان را حل کنیم، کسی که امور مالی دستش هست مشککش چیز دیگر است، آن‌که جوان است مشککش چیز دیگر است آن کسی که مشغله مسائل سیاسی یا برون مرزی دارد مشککش چیز دیگری است، اما ما مشکلمان چیست؟

### ○ خلق عظیم

مطلب بعدی آن است که اگر ان‌شاءالله الرحمن ما نجات پیدا کردیم و توانستیم وراثت خودمان را حفظ بکنیم که بشویم وارث انبیاء کاری که از شما آقایان و سایر علماء ساخته است هیچ چیزی به اندازه آن نیست: یک مشرکی بر اثر مصاحبت خلق عظیم پیامبر اعظم ﷺ اسلام آورد. بعد گفت تو پیامبری کاری که کردی از عیسی مسیح ساخته نیست، چرا؟ برای این‌که ما معتقدیم عیسی عَلَيْهِ السَّلَام مرده را زنده کرد ولی بعد از یک مدت او مُرد اما تو مرا به حیات ابد زنده کردی این برابر سوره مبارکه انفال است که فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾<sup>۱</sup>

تو مرا زنده کردی کار تو به مراتب بالاتر از کار عیسی مسیح عَلَيْهِ السَّلَام است، آب زندگی همین است؛ البته آب زندگی به این معنی که به انسان زندگی ابدی بدهد که افسانه‌ای بیش نیست؛ زیرا نه از باران چنین کاری ساخته است و نه از چشمه نوش‌ها که آدم یک قطره از آن بخورد یا یک لیوان بخورد و همیشه زنده باشد، این با قرآن سازگار

نیست ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾<sup>۱</sup>، ﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ﴾<sup>۲</sup> آیا ممکن است کسی برای ابد زنده باشد این ممکن نیست.

### ○ اساس تقوی

بنابراین مسجدها اگر براساس تقوا ساخته شد به برکت آن مسجدی هاست، درست است اما ﴿لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا﴾<sup>۳</sup> اما چه کسی، مسجد مؤسس علی التقوی می سازد.

آن کسی که ﴿أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى تَقْوَى﴾<sup>۴</sup> او هم چنین مسجدی می سازد، او یک چنین مسجدی را اقامه می کند و الا مسجدی که یک چهار دیواری و یک سلسله فرش و رقبات دارد ﴿أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى تَقْوَى﴾ یعنی چه؟ اگر گفته شد ﴿لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ﴾، برای این که این مسجد را عده ای ﴿أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ﴾ ساختند.

### ○ رابطه مسجد و دولت (دولت مسجدی و حسینی)

شما هم امور مساجد هستید و جزو آن دسته هستید؛ بنابراین، این راه است و این خدمت است و این وراثت انبیاست. فکر نمی کنم در دنیا کاری بهتر از آن کار باشد که انبیا کردند و وارثان انبیا می کنند.

از این جهت هم تشکر از دولت و این هایی که گزارش فرمودند، باید قدردانی کرد لکن باید مواظب باشیم هر خدمتی که دولتمردان سابق و لاحق در گذشته و حال و آینده به مسجد کرده و می کنند وظیفه آنهاست، یعنی مسجد دولتی نشود بگذارید مساجد مستقل باشد، حوزه هم همین طور است، خدمتی و کمکی قبلاً کردند و دولت خدمتگزار دارد می کند (دولت مکتبی خدا همه را در پناه و لیش حفظ کند) دولت بعد هم همین طور ممکن است انجام بدهند اما این وظیفه شان است.

حوزه وابسته به دولت نیست مسجد، دولتی نشود، حسینی دولتی نشود، دولت مسجدی و حسینی شود. این درست است باید حواس مان جمع باشد، دعا می کنیم ولی دعا معنی اش وابستگی نیست، این هم دعاست و هم

۱ - آل عمران : ۱۸۵

۲ - زمر : ۳۰

۳ - توبه : ۱۰۸

۴ - توبه : ۱۰۹

هدایت است همیشه دعا کردیم، همیشه هم دعا می‌کنیم اما مسجد مستقل است دولت را باید مسجدی کرد، نه این که مسجد را دولتی کنیم.

### ○ آسیب شناسی مسجد دولتی

الآن شما می‌بینید آن قدرتی که روحانیت داشت و به لطف الهی حفظ کرد این [است که] همیشه می‌تواند نصیحت بکند و نصیحت او هم اثر دارد هیچ کس گله هم نمی‌کند؛ چون می‌داند غرضی هم ندارند ولی اگر خدائی ناکرده نماز جمعه یا نماز جماعت و یا حسینیه، دولتی شد دیگری کاری ساخته نیست در سال ۶۱ یک همایشی در لندن با عنوان این که دین از سیاست جدا نیست، تشکیل شد.

سخنرانان سخنرانی‌شان را کردند و همایش پر برکتی هم بود، من دیدم بعد از یکی از این جلسات یک روحانی اردنی گفت من یکی از علمای اهل سنت هستم و می‌خواهم کمی صحبت کنم، گفتم بفرمائید گفت که ایران اگر انقلاب کرد، شما اگر انقلاب کردید، براساس این آیه بود که ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ﴾<sup>۱</sup> را درست معنی کردید وجوهات را باید مردم بدهند و روحانیت با وجوهات تأمین می‌شود، استقلال اقتصادی دارید. خودش هم سنی بود گفت ما که وابسته به دولت هستیم نمی‌توانیم انقلاب کنیم ما حقوق بگیریم. شما ﴿أَنَّمَا غَنِمْتُمْ﴾ را طوری معنی کردید که روحانیت شما مستقل است، ما شدیم حقوق بگیر، ما [اهل سنت] می‌گوئیم غنایم فقط غنایم جنگی است، الآن هم که جنگی نیست تا غنیمت ببرند؛ بنابراین ما می‌شویم حقوق بگیر ما هرگز نمی‌توانیم. پس خود مکتب طوری است که مسجد و حسینیه را مستقل کرده است.

### ○ رسانه دینی و رسانه ملی

الآن با بعضی از برادران صدا و سیما هم همین مطلب را داشتیم که شما با برنامه‌های ماه رمضان و غیره و سرانجام جمعیت را از مسجد بردید پای تلویزیون، اما قداست را نتوانستید از مسجد به پای تلویزیون ببرید. قداست همچنان مال مسجد هست، این چهار تا قطره اشک و توبه کردن برای مسجد است. از تلویزیون کار مسجد ساخته نیست؛ بنابراین این‌ها هیچ‌کدام جای مسجد را نمی‌گیرد؛ لذا ذات مقدس رسول گرامی ﷺ اولین کاری که کرد قبل از تشکیل سپاه، قبل از تشکیل حکومت و غیره، مسجد ساخت.

## سخن پایانی

من مجدداً مقدم شما بزرگواران علمای اعلام، ائمه جماعات مرکز رسیدگی به امور مساجد را گرامی می‌دارم. از ذات اقدس اله در خواست می‌کنیم به فرد فرد شما عزت و عظمت و سیادت دنیا و آخرت مرحمت بفرماید، خدماتی که تاکنون انجام داده‌اید با حسن وجه قبول بفرماید. ائمه محترم جماعات سراسر ایران هم از رهنمود شما بهره ببرند ان شاء الله شما جزو بهترین وارثان انبیا و اولیای الهی باشید.

توفیق این که مسجد را همان طوری که خدای سبحان فرمود ﴿بَيْتِي﴾<sup>۱</sup> خانه من است، خانه او بدانید و خود را هم عائله خانه الهی تلقی کنید [تا] این نعمت هم از شما سلب نشود و در دنیا و در برزخ و در قیامت با قرآن و عترت باشید، ان شاء الله.

غفرالله لنا و لكم و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.



## آیت الله العظمی جوادى آملی (دامت برکاته)

بسم الله الرحمن الرحيم.

مقدمه

میلاذ حضرت ختمی امامت وجود مبارک مهدی موعود علیه السلام را به پیشگاه آن حضرت و عموم علاقمندان قرآن و عترت و شما علمای بزرگوار و ائمه گرانقدر جماعات تهنیت عرض می کنم.

از ذات اقدس اله مسئلت می کنیم نظام ما و شما بزرگواران را مشمول عطیه ذاتیه آن حضرت قرار بدهد.

### • نحوه وقف مسجد

اولین نکته آن است که مسجدها که وقف می شوند از سنخ تحبیس الاصل و تسبیل الثمره نیست. وقف را این چنین معنا کردند که این ملک مقید می شود اصل ملک می ماند و منفعتش رهاست، «تحبیس الاصل و تسبیل الثمره»؛ یعنی بدنه ملک می ماند و منافع ملک راه می افتد.

سبیل یعنی راه، تسبیل یعنی راه اندازی. مسجد که وقف می شود از این قبیل نیست که اصل ملک بماند و منافعش راه بیفتد. که اگر یک وقتی ملک خراب شد بتواند بفروشند. نظیر اوقاف دیگر. مسجد مثل این قبیل نیست.

وقف مسجد از سنخ فک ملک است. از سنخ تحریر «رقبه» است؛ از سنخ آزاد کردن ملک و بنده است. همانطوری که در عتق بنده را مالک آزاد می کند و دیگر این شخص ملک احدی نیست کسی که مسجد می سازد واقف مسجد است، کل ملک را از ملکیت می اندازد و آزاد می کند نه اینکه ملک را مقید می کند. فروش وقف که جایز نیست برای این است که طلق نیست؛ فروش مسجد که جایز نیست برای اینکه ملک نیست نه، ملک است ولی طلق نیست؛ پس مسجد فک ملک است از سنخ تحریر رقبه است، از سنخ آزادسازی بنده است و از سنخ رها کردن ملک از اصل ملکیت است.

### • چرائی برکت داشتن مسجد

اصل دوم این است که چرا مسجد این چنین [با برکت] است. برای اینکه این مسجد چشمش که محراب است متوجه کعبه است. این چشم فقط کعبه را می بیند هرچه کعبه هست مسجد مثل او خواهد بود. خدا کعبه را بیت



عتیق معرفی کرد؛ فرمود ﴿وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾<sup>۱</sup> این خانه آزاد است، ملک احدی نیست، برده و بنده احدی نیست. شما دور خانه آزاد طواف کنید تا درس آزادگی بگیرد. به طرف کعبه که بیت عتیق است نماز بخوانید تا درس آزادگی بگیرید.

قبله شما بیت عتیق است مطاف شما بیت عتیق است. شبانه روز ۵ بار به طرف این بیت آزادگی نماز می‌خوانید تا بشوید آزاد. سالی یک بار دور کعبه طواف می‌کنید تا بشوید آزاد؛ چون آن بیت، بیت عتیق است و محراب مسجد، چشمش به طرف آن بیت عتیق است؛ لذا مسجد می‌شود بیت عتیق.

مسجد غیر از حسینیه است. مسجد غیر از سقاخانه است. مسجد غیر از حوزه علمیه است. مسجد آزاد است و درس آزادگی می‌دهد. اگر برکات فراوانی را ریاست محترم بیان فرمودند برای این است که شما بزرگواران در بیت عتیق امامت دارید. رهبری بیت آزاد را دارید.

### ○ مسجد و درس آزادی و آزادگی

مطلب سوم آن است که کسی می‌تواند نظام را درک بکند و حامی نظام باشد، حافظ نظام باشد که درس آزادگی را از مسجد خوانده باشد.

اگر امام راحل علیه السلام فرمود مسجد نظام را تشکیل داد، تثبیت کرد و حمایت نمود و اگر شعار مردم این بود استقلال آزادی جمهوری اسلامی؛ چون از مسجد درس آزادی و آزادگی آموختند.

آزادی معنایش این است که نه ما برده خود باشیم و نه برده دیگری. چه شرق و چه غرب. فقط بنده خدا باشیم. اگر کسی بنده خدا بود هم از بردگی هوس بیرون می‌آید و هم از وابستگی به شرق و غرب رها می‌شود. این چنین شخصی آزاد است. فرمود ﴿أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ﴾<sup>۲</sup> اگر کسی عبدالهوا بود مسجدی نیست، عبد غیر خدا بود مسجدی نیست. اگر گفته شد ﴿وَ أَنْ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ﴾<sup>۳</sup> خواه به معنای این اعضای سبعه باشد و خواه به معنای مکان، در این محدوده نه جا برای هوس غیراست، نه جا برای هوای غیر.

یک چنین امامی، یک چنین مأمومی که درس آزادگی را از بیت عتیق از یک سو و از فک الملک از سوی دیگر آموخته است، اینها می‌تواند جامعه را از شرق و غرب آزاد کند و از بردگی هوا و هوس آزاد کنند از بندگی دنیا و طبیعت برهاند.

۱ - حج : ۲۹

۲ - فرقان : ۴۹

۳ - جن : ۱۸

وجود مبارک حضرت امیر علیه السلام در عهدنامه‌ای که برای مالک نوشتند فرمودند:

«فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ يُعْمَلُ فِيهِ بِالْهَوَىٰ وَتُطَلَّبُ بِهِ الدُّنْيَا»<sup>۱</sup>

مالک تو که اکنون استاندار مصر شدی بدان دین قبل از من اسیر دست بیگانگان بود؛ یعنی نماز بود، مسجد بود، قرآن بود، ولی در اسارت بیگانگان است.

این بیان صریح حضرت است در عهدنامه مالک در نهج البلاغه. من که خلافت را پذیرفتم برای آزادسازی قرآن و عترت بود که این را بیگانه تسخیر نکند بیگانه او را به بند نکشد. تو هم که استاندار منی باید این نکته را بدانی و بعد آن جمله معروف را در بخش دیگر فرمود: «أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا»<sup>۲</sup>

من یک آدم آزاد می‌خواهم که آزاده باشد. این اللَّمَاطَةَ را رها نکند. لُمَاطَه، مانده لای دندان و دهان است. اگر کسی غذایی چیزی در لای دندانش ماند می‌گویند لُمَاطَه.

حضرت فرمود: آنچه که الان در دست شماست، لُمَاطَه نسل قبل است؟! بهره بردند و چیزی لای دندانشان ماند، تف کردند الان برای شما ماند.

بنابراین، این مسجد و مسجدی‌ها بودند که توجهی به زخارف دنیایی نداشتند و همین امر نیز سبب شد که نظام حفظ شود.

آن کسی که علوی فکر می‌کند، حسینی فکر می‌کند نظام را حفظ می‌کند؛ بنابراین اگر مسجد فکّ ملک است و اگر کعبه بیت عتیق است درس آزادگی می‌دهد؛ أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا.

#### ○ اهمیت مسجد

مطلب بعدی این است که بیگانه، اولین هدفی که در پیش دارد، همین مسجد است. سرّش این است که الان در این کشوری که ۷۰ میلیون جمعیت است، حداکثر یک میلیون دینشان را [مستقیماً] از قرآن و روایات دارند؛ یعنی علمای حوزه، دانشمندان کشور، اساتید دانشگاه، هستند که با قرآن و روایات و کتب اربعه مأنوس هستند و دینشان را از کتب کلینی و صدوق و قرآن کریم می‌گیرند. اما ۶۹ میلیون دیگر دینشان را از شما دارند. او که کلینی و صدوق را نمی‌شناسد. او می‌گوید امام جماعت مسجد ما واعظ ما این را گفته. این فخر است دین ۶۹ میلیون مردم این مملکت به وسیله مساجد تأمین می‌شود. این هنر است. این فخر است، این سعادت دنیا و آخر است. حفظ نظام به وسیله همین هاست. کم کاری نیست!

۱ - نهج البلاغه ص: ۴۳۵

۲ - نهج البلاغه ص: ۵۵۶

خب اگر ما دین این ۶۹ میلیون را به وسیله مسجد داریم باید انشاءالله در این حدی که هستیم به این حد بسنده نکنیم و یک قدری بالاتر بیاییم و آزادتر باشیم. فاصله مان را از قرآن و عترت کمتر کنیم؛ «أَقْرَأَ وَ ارْقُ» تنها مخصوص با قیامت نیست.

## ○ راهکار های ارتقاء علمی ائمه جماعات در مقابل سیاست مسجد ستیزی

### ۱. احداث حوزه علمیه در کنار مساجد

در کنار مسجد تا آنجا که ممکن است یک حوزه علمیه داشته باشیم. حالا یک وقت است که روستاست و امکاناتش محدود است اما وظیفه اصلی همه ما این باشد که در کنار مسجد یک حوزه علمیه داشته باشیم برای اینکه می خواهیم ﴿يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾<sup>۲</sup> باشد.

### ۲. تخصصی کردن امور سه گانه تبلیغ، تعلیم و تحقیق

مسجد جای تبلیغ است نه تعلیم. ما یک تبلیغ داریم، یک تعلیم داریم، یک تحقیق. این تحقیق مال حوزه هاست. یک علامه طباطبایی؛ است، یک علامه امینی رحمته الله است، یا بزرگوار دیگر است که یا فقه می نویسد یا تفسیر می نویسد یا عقاید می نویسد یا اصول می نویسد یا کلام می نویسد.

این جای تحقیق است این به درد مردم نمی خورد. حالا شما شدید علامه طباطبایی رحمته الله مردم از شما استفاده نمی کنند. شما شدید علامه امینی؛ مردم از شما بهره نمی برند.

مردم از شما در سطحی که همین درس های حوزوی را خواندید بهره می برند. کار تحقیق مال شما نیست نه فراغتش را دارید نه فرصتش را دارید که حالا بنشینید مثل علامه طباطبایی رحمته الله یا علامه امینی رحمته الله یا دیگران که درباره امامت کتاب بنویسید. درباره تفسیر کتاب بنویسید. درباره فقه و اصول کتاب بنویسید. این را از شما نخواستند.

اما تعلیم طلبه ها از یک سو، تبلیغ توده مردم از سوی دیگر از شما متوقع است. تا آنجایی که ممکن است حتما سعی کنید در کنار مسجد یک حوزه علمیه باشد. کم یا زیاد. هم برای برادران و هم برای خواهران که ﴿يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ﴾<sup>۳</sup> سامان بپذیرد. تزکیه مقدمه بر تعلیم است و اگر گاهی [در برخی از آیات] تزکیه جلو می افتد چون مقدم است نه مقدمه. اینها جزء وظائف و رسالت های مسجد است.

۱ - بخوان و بالا برو - کافی ج : ۲ ص : ۶۰۶ -

۲ - بقره : ۱۲۹

۳ - بقره : ۱۲۹

## ○ ماهیت دشمن ستیزی بیگانگان با مساجد

سر اینکه بیگانه طمع کرده مسجد را از پا در بیاورد برای این است که ذات اقدس اله می داند که مردم از راه باور و عقیده به یک مکتبی گرایش پیدا می کنند. این اختصاصی هم به دین ما ندارد. ادیان دیگر که اصلا ادیانی ما نداریم؛ «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»<sup>۱</sup>. اصلش همین است. همه انبیاء موظفند آن معبدشان را حفظ بکنند. بیگانه ها برای اینکه جامعه را فاسد بکنند، اولین کاری که می کنند [اینست که] معبد را از معبد بودن بیندازند، اثر او را می گیرند؛ لذا جامعه رها می شود.

اگر در سوره مبارکه بقره فرمود: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ»<sup>۲</sup> زمین فاسد می شود، زمینه فاسد می شود، فرهنگ جامعه آسیب می پذیرد.

در سوره مبارکه حج علتش را ذکر کرد، فرمود: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ»<sup>۳</sup>

فرمود اگر دفاع نظامی از یک سو، دفاع فرهنگی فکری از سوی دیگر نباشد، مسجد آسیب می بیند. برای یهودی ها معبدشان و برای مسیحی ها معبدشان آسیب می بیند. این معبدها در هر دینی باید حفظ باشد. بیگانه برای اینکه به جامعه و به بدنه مردم آسیب نرساند، این مراکز اصلی را هدف قرار داده؛ یعنی آن چه که در سوره مبارکه بقره فرمود، نتیجه چیزی است که در سوره مبارکه حج ذکر کرده.

اگر فرمود «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ» راهش را هم ذکر کرده که فساد زمین برای ضعف مسجد است: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ» و بعد فرمود «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»<sup>۴</sup>

بنابراین وقتی جامعه آسیب می بیند که مسجد از فعالیت بیفتد و این اختصاصی هم به این دین آخر ندارد. همه ادیان اینطور بود. از زمان ابراهیم خلیل علیه السلام تا زمان ما اگر جامعه آسیب دید یا می بیند در اثر ضعف مراکز مذهبی است؛ لذا فرمود شما این مراکز را کاملا حفظ بکنید. پروردگارا امر فرج ولایت را نزدیک بفرما.

۱ - وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ - آل عمران : ۱۶۴

۲ - آل عمران : ۱۹

۳ - بقره : ۲۵۱

۴ - حج : ۴۰

۵ - حج : ۴۰



## حضرت آیه‌الله العظمی سبحانی تبریزی (دامت برکاته)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه وآله الطاهرين و لعنه الله على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين. قال الصادق عليه الصلاة والسلام:

«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ»<sup>۱</sup>

### ○ تاریخ شناسی پایگاه عبادی - فرهنگی

نخستین گامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه برداشت، از نظر تاریخ، دوم ربیع وارد مدینه شد. یعنی در حقیقت نزدیک مدینه دهکده قبا.

دوازدهم ربیع که وارد مدینه شد، اولین کاری که کرد یک مسجدی در حدود چهارصد متر تأسیس کرد، زمینی بود که در آنجا خرما خشک می‌کردند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این زمین را خرید آنجا را مسجد کرد.

مسجد آن زمان با وسایل آن زمان برای عالم روشن است که چگونه است، اما همین قدم اول فرهنگی برای ما بس است که باید در کارهای خودمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را اسوه و الگو قرار بدهیم.

قدم اول قدم فرهنگی است، اصلاح جامعه از طریق فرهنگ است نه فقط پیامبر آن مسجد را ساخت. مسئله فرهنگی مطرح بود بلکه تمام مسائل در همان مسجد حل و فصل می‌شد، شورای نظامی در همان مسجد برگزار می‌شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم احکام را در آن مسجد برای مردم بازگو می‌کرد و تا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زنده بود مسجد پایگاهی برای همه مسلمانان و برای همه مسائل بود.

۱ - کافی ج: ۱ ص: ۲۶

## ○ بهم پیوستگی عالم و مسجد

پس در حقیقت مسجد پایگاه عظیمی است که برای نخستین بار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ما را به آن توجه داد، ولی خوب معلوم است که مسجد به تنهایی نمی‌تواند کارساز و سازنده باشد، عالمی لازم دارد که آن عالم آن مسجد را بگرداند و مسجدی‌ها را از نظر فکری و علمی و عقیدتی تغذیه کند.

مسجد مهم است مهمتر از آن عالمی است که در آنجا قدم برمی‌دارد، عالمی موفق می‌شود که مسجد برای او درجه اول کار باشد، اصل کارش مسجد باشد، نه این‌که چند شغل بپذیرد و فقط موقع ظهر بیاید دو رکعت نماز بخواند و برود این مسجد هرگز مسجد نمی‌شود.

خدا رحمت کند یکی از علمای تهران در گذشته نقل می‌کرد که یکی از دوستان ما همیشه نیم ساعت به غروب به مسجد می‌رفت. گفتیم به این زودی برای چه می‌روی؟ گفت آنجا من یک مشت مرید پیرمرد دارم، باید آنها را کول بگیرم ببرم بالا، کول بگیرم بیاورم پایین، پس آن مسجد می‌شود مسجد، آن امام می‌شود، امام مسجد که در حقیقت تمام فکرش این است که مسجد را اصلاح کند، پایگاه فکری و فرهنگی بشود، همان‌طوری که در زمان پیامبر بود.

## ○ مسجد موضوع فقهی مستقل

این روایت در صحیح بخاری هست، شاید در روایات ما هم باشد<sup>۱</sup> که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گوشه مسجد دو نفر را دید که دارند تدریس می‌کنند و چند نفر را دید آن طرف که عبادت می‌کنند، معلوم می‌شود که مسجد هم آموزشگاه بوده و هم عبادتگاه، همه چیز در مسجد متمرکز بوده است، البته حالا کارها و شرایط عوض شده این یک مسئله است، ولی اهمیت مسجد باید به تمام معنا محفوظ باشد.

اغلب می‌دانید که مسجد در فقه اسلامی موضوع مستقلی است، هم مسجد و هم احکام مسجد، در کتاب‌های فقهی قدما مسجد و احکام مسجد را به عنوان موضوعی مهم و مستقل مطرح کرده‌اند. مسئله مسجد، مسئله مهمی است، هم در قرآن و هم در روایات احکامی دارد.

## ○ مالکیت مسجد (شخصیت حقوقی مسجد)

حتی مسجد می‌تواند مالک بشود، الآن در غرب آمده‌اند یک مالکیتی به نام مالکیت «جهت و عنوان» درست کرده‌اند که «جهت» مالک می‌شود و «عنوان» مالک می‌شود، مالکیت‌های شخصی را تبدیل کرده‌اند کم‌کم به

۱ - بحار الأنوار ج: ۱ ص: ۲۰۶

مالکیت‌های جهتی و عنوانی یعنی شرکت‌هایی درست کرده‌اند به همان نام که آن نام مالک است، مبتکر این فکر اسلام است، مسجد مالک می‌شود مالک بر قش است، مالک فرشش است، مالک لوازمش است و هكذا و متولی خدمتگزار این مالک است، خود مسجد به عنوان یک موضوع فقهی و اجتماعی و عبادتی برای خود شأنی دارد تا برسد

مسجد الحرام که احکام خاصی دارد، مسجد النبی که احکام خاصی دارد اما آن عالمی که مسجد را اداره می‌کند آن بسیار مهم است.

### ○ آگاه اندیشی عالمانه امامان مسجد

امام صادق علیه السلام طبق نقل مرحوم کلینی در کافی حتی در تحف العقول هم هست فرمود:

«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْلَوَائِسُ»<sup>۱</sup>

آن کس که آگاه است و شرایط حاکم بر زندگی را می‌داند این غافل‌گیر نمی‌شود.

عالم مسجد باید حدود و شرایط را از نزدیک درک کند، جلوتر از جامعه پیش برود، فکر کند الان دیگر نمی‌شود مساجد را با معلومات قدیمی اداره کرد، اطلاعات بالاتر رفته‌اند مستمع آگاه‌تر شده است قهراً باید قلم‌مان و علم‌مان و دانش خودمان را عوض کنیم و هماهنگ با آنها پیش برویم. البته کسانی که عقب می‌مانند قادر به درک شرایط زمان نیستند.

### ○ نقش مساجد در مقابل تهاجم فرهنگی

همین مساجد تحت بمباران رسانه‌های گروهی هستند، خدا می‌داند که این رسانه‌ها از نظر اخلاقی و فکری چقدر بر روان و روح جوان‌ها اثر می‌گذارند، ما فقط به رادیو و تلویزیون ایران نگاه می‌کنیم که خیلی هم پاک و مقدس است. حتی گاهی هم اشکال کوچکی می‌کنیم، اما اگر قیاس کنیم با رسانه‌های دیگر، این اعلم و افقه و اصدق است خوب این همه در بین جوان‌ها شبهه‌افکنی می‌کنند.

از نظر فکری و منطقی و اصولاً الان برنامه خارج این است که یک حرکت خزنده‌ای فرهنگی در کشور اجرا شود، ایمان‌ها را ذوب کنند؛ چون در جنگ ایمان توانست ما را پیروز کند، جوانان با ایمان کشور را حفظ کردند، اما اگر این ایمان را از ما بگیرند در مقابل دشمن ما مغلوبیم. این‌ها می‌خواهند به طرق گوناگون ایمان را از بین

۱- کافی ج: ۱ ص: ۲۶

بیرند با ایجاد مذاهب به اصطلاح صوفیه که نه مذهبنده و نه مسلک، این‌ها سایت دارند. این‌ها طرح و برنامه دارند. این‌ها مسلماً روی جوانان اثر می‌گذارد. مسجد و مسجدی باید بتواند آنها را جبران کند.

### ○ راه‌های تأثیرگذاری مسجد

حالا ما هم می‌خواهیم در دل مردم نفوذ کنیم نفوذ در درجه اول عمل است به آنچه می‌گوییم، ثانیاً زهد در زندگی خیلی مهم است. روحانی در دل مردم در صورتی نفوذ می‌کند که هماهنگ با زندگی آنان باشد، یکی از علما این آیه را این‌جور معنا می‌کرد که «وَ أَنْتَ حَلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ» یا رسول‌الله تو در این بلد حلول کرده‌ای؛ یعنی در دل‌ها حلول کرده‌ای، فردی است که با مردم سر و کار دارد حرف می‌زند، مریضیش را سؤال می‌کنید، احوال خانواده‌اش را سؤال می‌کنید، کارکردش را سؤال می‌کنید، شریک غم می‌شوید، این می‌شود مسجدی. باید ما از نظر زندگی، زاهدانه زندگی کنیم هماهنگ با طبقه سوم زندگی کنیم قطعاً خواهید دید که اثرگذار می‌شویم.

### ○ ایفای وظائف در مساجد

بنابراین مساجد سنگرند. این سنگرها باید حفظ شوند. حافظ اول و نگهبان اول، آن عالم و روحانی است که بتواند مردم را جذب کند، در کنار این عالم روحانی یک نیروی دیگری هم هست، نیروی لازم منبری آن مسجد است، منبر را از دست ندهید، منبر حسینی در دل‌ها نفوذ می‌کند، در مستمع تحول ایجاد می‌کند، شما بعضی از وعظ گذشته را دیده‌اید خیلی معلومات خوبی نداشتند، اما زبان مردم را بلد بودند، در دل‌ها نفوذ می‌کردند، گنهکاران را از گناه باز می‌داشتند، من نمی‌خواهم اسم ببرم همه شما می‌دانید منبر باید منبر حسینی باشد، بر قرآن تکیه کند. بر احادیث تکیه کند.

### ○ الگوی وعظ شیعه

بد نیست که در این‌جا من اسمی هم ببرم چرا مرحوم آقای فلسفی منبرش در تهران کهنه نشد، پنجاه سال منبر رفت، بلکه شصت سال منبر رفت، متولد ۱۳۲۶ هجری قمری بود چند سال قبل هم وفات کرد تقریباً ۹۷ سال عمر کرد چرا؟ چون قبل از منبر مطالعه می‌کرد من از خودش شنیدم که یک بار به من گفت هر منبری که می‌روم هشت ساعت مطالعه می‌کنم هم آیه داشت، هم روایت داشت، هم تاریخ داشت، هم اعتقادات داشت، هم از جهان خارج فکر و اندیشه می‌گرفت.



## سخن پایانی

بنابراین مسجد بنایی است وارسته معظم به تمام معنا با تمام درجاتی که دارد اما ستونش امامی است که در مسجد بتواند مردم را جمع کند آن هم به انواع طرق نیاز به واعظی است که در این مسجد بتواند مردم را جذب و در دل‌ها نفوذ کند، همه شما می‌دانید کلمات ائمه اهل‌بیت بر دل‌ها اثر می‌گذارد من دیگر عرضم را به اتمام می‌رسانم بسیار تشکر می‌کنم از همه دوستان عزیز که تشریف آوردید امیدوارم ان‌شاء الله موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.



## سخنرانی حضرت آیت الله العظمی سبحانی (دامت برکاته)

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾<sup>۱</sup>.

مقدمه

با عرض تبریک نسبت به ایام ولادت خاتم الاوصیا و با عرض تشکر از برادرانی که این فضای روحانی را به وجود آوردند و چنین محفلی را تشکیل دادند که ائمه جماعات در کنار هم قرار بگیرند و مشکلات را با هم در میان بگذارند.

### ○ خاطره قانون اساسی

وارد مجلس که شدم خاطره بیست و نه سال قبل در نظرم مجسم شد که برای اولین بار در مجلس خبرگان برای نوشتن قانون اساسی در همین مجلس چهار ماه و اندی وقت صرف کردیم. شخصیت‌های عظیمی بودند. مجتهدان عالی‌مقامی بودند که بسیاری از آنها از نظر علم در درجه بالا و مرجعیت بودند و از اصحاب فکر و قلم اندیشمندان فراوانی بودند. نتیجه آن چهار ماه و اندی زحمت، این شد که یک قانون اساسی معتبر ملتزم تقدیم ملت ایران گشت. روح امام و کسانی که با ما در این مجلس همکار بودند و اکثرشان به لقاء الله پیوستند، شاد.

### ○ تفسیر و تفصیل آیه ۹۶ سوره مبارکه مریم علیها السلام

دو مطلب را می‌خواهم در این محضر عرض کنم. به آیه‌ای که خواندم اجمالاً توجه می‌دهم. همه افراد علاقمند مردم آنها را دوست بدارند. چه کنیم که مردم نسبت به ما علاقمند باشند. محبت چیزی است که همه خواهان آن‌اند. حتی در روایت هست که برخی از انبیاء گفتند «حُبًّا فِي قُلُوبِ النَّاسِ».

### ▪ مسئله تربیتی و اجتماعی

این آیه مبارکه یک مسئله تربیتی و اجتماعی را مطرح می‌کند اگر می‌خواهید مردم شما را دوست بدارند برای مردم کار کنید. ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾<sup>۲</sup>. هر کس طالب ایمان است، تا اخلاص نداشته باشد عمل کافی نمی‌باشد.

۱ - مریم : ۹۶

۲ - مریم : ۹۶

﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفَرَادَى﴾<sup>۱</sup>. خدا رحمت کند مرحوم سعیدی را، روزی در جلسه امام سال ۳۸ یا ۳۹ درس تعطیل شد و ایشان عرض کرد حاج آقا موعظه بفرمایید، ایشان آمادگی نداشتند، اصرار کرد. چون مورد علاقه ایشان بود این آیه را خواند. ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفَرَادَى﴾. همین را اجمالاً شرح کرد و بحث را به آخر رساند.

۱. ایمان

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ در درجه اول، ایمان و کار برای خدا.

۲. عمل صالح

﴿وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ عمل صالح تنها عبادت فردی نیست.

▪ مصداق عمل صالح

کارهای اجتماعی هم عمل صالح است. رسیدگی به مساجد هم عمل صالح است. مساجد را آبادکردن هم عمل صالح است. و ﴿وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ اگر این دو چرخ در یک امر جمع شد خدا می‌فرماید از نظر قوانین غیبی مردم خواه ناخواه او را دوست می‌دارند. ﴿سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾ و به خودش نسبت می‌دهد. در عین حالی که کارهای الهی در جهان کارهای مابشری است ولی در اینجا به خودش نسبت می‌دهد. حتی مسئله مسئله مابشرت نیست.

○ جذابیت مساجد

مساجد باید طوری باشد که جاذبه داشته باشد تا مردم علاقه به مسجد پیدا کنند. بسیار کارهای ارزشمندی انجام گرفته امام جماعت باید به نوعی رفتار کند که در دل مأمومین جای پیدا بکند. مأموم امام را برای خود برادر بزرگ یا پدر فکر کند. اگر امام در بین مردم محبوبیت پیدا بکند مردم دور او را می‌گیرند و از او جدا نمی‌شوند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾.

مصداق عینی آیه

چند روز قبل من مشهد بودم. بعد از سال‌های دراز موفق به زیارت امام شدیم. مسجد گوهرشاد را مملو از جمعیت دیدم. هر فرد ایرانی نسبت به این زن و بانو یک علاقه‌ای دارد. نام گوهرشاد نامی است که همراه با محبت و مودت و شادی است. در عین حالی که از قبیله ایلیخانی بوده اما مع‌الوصف همه مردمی هم که این بانو

را ندیده‌اند (۸۰۰ سال قبل این معبد را ساخته) همه دوستش دارند. چرا؟ یک مسجدی در کنار قبر امام ثامن ساخته برای زائران تا وسیله نماز فراهم آید، محبتش در دلهاست. زن باشد یا مرد باشد، ۷۰۰ سال ۸۰۰ سال هم بگذرد. ﴿سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾.

### ○ پاسخ به یک شبهه

مطلب دیگری که عرض کنم آن هم راجع به جمع کنونی ما در حج است. همه آقایان ائمه جمعه و جماعات که به حج می‌روند این آیه را از آمران معروف و ناهیان منکر می‌شنوند. ﴿وَ أَنْ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾<sup>۱</sup> همه‌شان می‌گویند شما در مساجد در کنار یا الله یا حسین هم نگویند. ﴿وَ أَنْ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ آماده باشید تشیع را حفظ بکنید.

### ▪ معانی دعوت

دعوت در قرآن دو معنی دارد؛

۱. یکی به معنای خواندن است. «دَعَا زَيْدٌ عَمْرًا». ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ

جَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾<sup>۲</sup>؛

﴿ادْعُ﴾ در اینجا به معنای خواندن است؛ دعوت است. فلانی آب بده، غذا بده، این یک معناست.

۲. یکی دیگر از معانی دعوت، عبادت است. دعوت در قرآن به معنی عبادت زیاد به کار رفته است. آیات

را ملاحظه بفرمایید. می‌فرماید ﴿قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾<sup>۳</sup> ای تعبدون من

دون الله.

عبد به معنای عبادت است؛ بنابراین، این افراد بین دعوی به معنی خواندن و دعوی به معنی عبد فرق نمی‌گذارد. آیه

می‌فرماید ﴿وَ أَنْ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾<sup>۴</sup>. و الا در مسجد من هم یا الله بگویم و هم به یک نفر

بگویم فلانی برو قرآن بده من بخوانم، این که شرک است. نتیجه اینکه همراه خدا دیگران را عبادت نکنید.

۱ - جن : ۱۸

۲ - نحل : ۱۲۵

۳ - غافر : ۶۶

۴ - جن : ۱۸

▪ اختلاف در تفسیر

مطلب سومی که عرض می‌کنم. در آیه «فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ ۗ»<sup>۱</sup> من یک نظری دیگری دارم. قرآن می‌فرماید «فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ»:

بیت در قرآن غیر از مسجد است. مسجد داریم، بیت هم داریم.

مسجد در قرآن حدود بیست و هفت بار یا کمتر و بیشتر، بیت در کنارش آمده. بیت الله الحرام داریم، مسجد الحرام هم داریم. بیت الله غیر از مسجد است. بیت حتما باید سقف داشته باشد ما را از گرما و سرما حفظ بکند در حالی که در مسجد بیت شرط نیست.

در مسجد مستحب است در نقاط گرمسیر سقف نداشته باشد. بنابراین ما «فِي بُيُوتِ» را به همان ملحقه که فرمودند ما ملحق ایشان را متن قرار می‌دهیم. «فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ»: یعنی بیوت انبیاء و اولیاء.

مساجد را عطف می‌کنیم؛ یعنی به آن هدفی که حضرت رسیده از طریق دیگر وارد بشوید بیت، بیت انبیاء و اولیاء، متن آن هم تقریباً داخل است در بیوت.



سیوطی در تفسیر خودش نقل می‌کند هنگامی که این آیه نازل شد «سئل رجل عن رسول الله ما خاضع البيوت قال بيوت الانبياء. ثم قال ابوبكر اشير الى بيت علي و فاطمه هل هذا منها؟ قال نعم من افاضلها». در بیت، سقف لازم است: «وَلَوْ لَا أَنْ

يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لَبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِنْ فِضَّةٍ وَ مَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ»<sup>۲</sup>؛

بنابراین در نتیجه با حضرت ایشان موافقم بیت، بیت انبیاء و اولیاء است. مساجد هم تعلیلاً در این آیه داخل است. این یک تفسیر، آن هم تفسیری که حضرتشان فرمودند.

۱ - نور: ۳۴

۲ - زخرف: ۳۳

## ○ معماری مساجد

مساجد را ما به صورت سالن نسازیم. راجع به تشیع گفتند آقا تهران آمدیم مسجد نیافتیم. مساجد در اینجا همه گنبد و بارگاه دارند. همیشه آنها مساجد را از آن طریق می‌شناسند. مساجد روی تپه های بلند ساخته می‌شود. انشاءالله من بعد سیاست مسجدسازی این باشد که هر مسجد دارای گل‌دسته و گنبد در یک نقطه بلند برای همگان چشم‌گیر باشد.

آرزو برای جوانان که هیچ برای پیرانی مثل من هم عیب نیست.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.



## حضرت آیه‌الله‌العظمی نوری همدانی (دامت برکاته)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه سيدنا و نبينا ابى القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين ﷺ سيما بقية الله في الارضين و اللعن على اعدائهم اجمعين.

### ○ جایگاه و رسالت عالم در اسلام

طبق روایات، منزلتی بالاتر از این که یک نفر عالم اسلامی باشد متصور نیست، اما از جهت مسؤولیتی که ما، (بنده بعنوان طلبه‌ای از حوزه علمیه قم و شما علمای مکرم) داریم مسؤولیت ما بسیار سنگین است، از آغاز علمای بزرگ ما به این مسؤولیت عمل کردند، در کتاب اکمال الدین، صدوق رحمة الله عليه می‌گوید؛ نامه‌ای به دست نایب چهارم از نواب خاص رسید: «بسم الله الرحمن الرحيم اعظم الله اجر اخوانک و انک میت بین ستة ايام، اجمع امرک...».

از این تاریخ که زمان غیبت صغری سپری شد در سال ۳۲۹ هجری قمری، و غیبت کبری آغاز شد، مردم مسلمان و شیعیان تردید نداشتند که پناهگاه‌شان علما هستند زیرا:

گل رفت و گلستان شد خراب      بوی گل را از که جویم از گلاب<sup>۱</sup>

چون علما نایب عام و نایب مناب مقام‌های نبوت و امامت هستند، بر علما هم تردید نبود که وظیفه بسیار بزرگی بر دوش آنها قرار گرفت، در چند مورد و در چند عرصه علما لازم دانستند که کار کنند.

۱ - مثنوی معنوی

## ○ خدمات و اقدامات علما در طول تاریخ

### ۱. اول جمع آثار اسلامی و آثار اهل بیت علیهم السلام

اول جمع آثار اسلامی و آثار اهل بیت، جمع‌آوری این‌ها، و تنظیم این‌ها و مرتب کردنش، این یکی از کارهای بزرگی بود که علما انجام دادند

### ۲. دوم بیان و تفسیر این کلمات

دوم بیان و تفسیر این کلمات، تصنیف و تعریف و پژوهش این‌ها، این کار دوم بود

### ۳. سوم نشر و تبلیغ

کار سوم نشر و تبلیغ این آثار پر بها بین مردم، در ضمن با تألیف و بیان تبلیغ و نشر انجام می‌گرفت،

### ۴. چهارم تعلیم و تربیت

چهارم تعلیم و تربیت مردم براساس این فرهنگ خدمتی بسیار بزرگ بود؛ یعنی با مردم ارتباط داشتن و آنها را براساس فرهنگ اهل بیت علیهم السلام تربیت کردن، برای این‌که این سلسله اندیشه واقعی باشد.

تأسیس حوزه‌های علمیه، تربیت طلاب و علمای بزرگ، از طرفی هم تفرقه‌افکنی‌ها پدید آمد، مناظراتی باید صورت می‌گرفت تا کتاب‌هایی در مناظره شکل بگیرد، در کلام، در فقه مقارن، در اصول و معارف و به این ترتیب علوم اسلامی را شیعه‌ها پی‌ریزی کردند و پدید آوردند.

بهترین منتقدان علوم، علمای شیعه بودند، - قدس الله اسرارهم و شکر الله سعیم - . مناظرات مختلفی برحسب زمان انجام می‌شد و این کارها بود که انجام گرفت، رفته رفته وظیفه بر دوش ما قرار گرفت.

ما در برابر مسؤولیت بسیار بزرگی قرار داریم، ما نمی‌توانیم از این مسؤولیت شانه خالی کنیم، از اول که به این لباس ملبس شدیم و در این شغل که شغل سربازی امام زمان است شغل بسیار شریفی است، شغلی شریف‌تر و پربرکت‌تر از شغل طلبگی ندیده‌ام، باید خیلی خدا را شکر کنم که این توفیق را عنایت کرد که در این راه دنبال قال الله، قال الباقر و قال الصادق باشیم از این شغل پربرکت‌تر و شریف‌تر نیست، این‌ها همه هست، در زمان ما جریان‌های هم بوقوع پیوست، و وظیفه ما را سنگین‌تر کرد.

## ○ امام خمینی علیه السلام و رسالت ما

در جریان‌های که در زمان کنونی ما بوقوع پیوست و باید ما عالم به زمان خودمان باشیم که امام صادق علیه السلام فرمودند:



«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْوَالِيسُ»<sup>۱</sup>

وظیفه ما را بسیار سنگین کرد، و افتخار هم بکنیم که در چنین زمانی بتوانیم عهده ادای وظیفه خودمان برآیم، کتابی هست به نام «ثورة الفقيه و دولته»، این کتاب را علمای عرب سوریه و عراق و لبنان و کشورهای عربی نوشته‌اند و همه کتاب عربی است، پنجاه تن از علمای بسیار بزرگ و سرشناس دنیا کلماتشان جمع شده است هر یک از این علمای بزرگ که اهل قلم و آگاه به اوضاع زمان و دارای منصب و مقام هستند هر کدام از یک زاویه کار فقیه فرزانه، مدیر، مدبر، شجاع، بت شکن امام خمینی؛ را مورد بحث داده‌اند، بله واقعا معظم له به عنوان یک فقیه و فیلسوف مطرح است. امام خمینی؛ عیار مکتب اسلام

اصلاً ایشان خود یک کتاب و مدرسه‌ای است. آن قدر کار بزرگ و وسیع و دارای ابعاد متعدد که در زمان ما بوقوع پیوست الان کلمات امام را دسته‌بندی کرده‌اند شده پنجاه جلد. کتب بالینی بنده همیشه در ملاقات‌ها به عزیزان تأکید می‌کنم، سه کتاب را مطالعه کنید تا کتاب بالینی ما باشد؛ یکی صحیفه نور امام، ما باید با آن فکر آشنا باشیم، آن برداشتی که ایشان از اسلام دارد ما هم همان برداشت را باید داشته باشیم تا بتوانیم در این راستا گام برداریم. ۲۲ جلد چاپ شده و جلد بیست و دوم فهرست است بقیه مطالب بیانات و کلمات عده‌ای از فضلا جمع‌بندی و دسته‌بندی کرده‌اند بنام تبیان که این پنجاه جلد شده است، یک جلد دانشگاه و دانشگاهیان، یک جلد شیطان بزرگ و آمریکا، یک جلد شهادت و ایثار، یک جلد قوای مسلح، سپاه پاسداران و قوای نظامی، یک جلد حکومت اسلامی، یک جلد اسلام ناب، یک جلد تاریخ معاصر، یک جلد وحدت و اتحاد، یک جلد استضعاف و استکبار، این پنجاه جلد است.

بیت‌القصیده به نظر بنده همین آخری است استضعاف و استکبار؛ امام در این کتاب می‌فرمایند:

هدف ما این بوده که مستضعفان جهان و مظلومین و محرومین را که قرن‌ها در سیطره مستکبران زندگی کردند آنها را نجات بدهیم و از تمام مستضعفان جبهه‌ای درست کنیم در برابر مستکبران عالم ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾<sup>۲</sup> همین است و کار ما مقدمه ظهور امام عصر عجل الله فرجه است این کار امام است ملت‌هایی که قرن‌ها دچار استضعاف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بودند این‌ها همه را نجات و پر و بال دادند، آن خود کم‌بینی را در این‌ها از بین بردند

۱ - کافی ج: ۱ ص: ۲۶

۲ - قصص: ۵

و به این‌ها خودباوری و اعتماد به نفس دادند و اسلام ناب را تکیه‌گاه قرار دادند، اسلامی که پر و بالش قیچی شده بود.

اسلام بود ولی حکومت اسلامی نداشت، اسلام بود ولی جهات فرهنگی و شهادت طلبی نداشت، اسلامی بود بدون ظلم‌ستیزی و بدون استکبارستیزی، اسلامی بود منزوی، اسلام ناب را به عرصه زندگی آوردند این کار امام بود.

### ○ روحانیت و تخصص‌های سه‌گانه

سه تا منصب مهم را از ما گرفته بودند، هر سه مال علمای اسلامی است، افتاء و قضاء و حکومت شما می‌دانید این هر سه کار فقیه است؛ حکومت مال فقیه، برحسب روایات فراوانی که ما داریم از جمله مقبوله عمر بن حنظله.

#### ۱. حکومت

خلاصه یکی از مناصب علما حکومت بوده که از ما گرفته بودند. بنی‌عباس و سلجوقیان و ایلخانان و تیموریان، صفویه و افشاریه و زندیه، قاجاریه و پهلوی حکومت داشتند اما علما نه، از علما گرفته بودند.

#### ۲. قضاوت

دوم قضاوت را از ما گرفته بودند جای ما شریح قاضی‌ها قضاوت می‌کردند.

#### ۳. افتا

سوم افتا برای خودشان مجتهدینی درست کرده بودند، در سال‌های قدیم راه را برای ما بسته بودند.

### ○ محجوریت فقه حکومتی

شما نگاه کنید به کتاب‌ها، صحبت از طهارت است تا می‌رسیم به حج و این قبیل چیزها، از امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، حدود، دیات، قصاص و امثال این‌ها خبری نبود. این‌ها راه را برای امثال ما طلبه‌ها بسته بودند. کسی که واقعا میدان را باز کرد و این احکام و اسلام را احیاء کرد امام؛ بود؛ بنابراین ما در زمان خودمان سراغ این می‌رویم چون همه این‌جا هستید چند نکته را به نظر خودم خدمت ائمه جمعه و جماعات عرض می‌کنم:

## ○ راه‌های احیاء مساجد

### ۱. ایجاد جذابیت در مساجد

اول این‌که ما قبل از هر چیز باید سعی کنیم که مساجد آن جذابیت را داشته باشند؛ یعنی ما یک برنامه‌هایی تنظیم کنیم تا مساجد خسته کننده نباشد، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: طاعت و عبادات برخلاف هوای نفس است و لذا سنگین است، اما کارهایی که موافق هوای نفس باشد سبک است، جذاب است.

حالا ما باید در مساجد برنامه‌ای داشته باشیم برای جذب جوانان باید فکر کنیم برنامه‌های هنری و امثالهم خسته کننده نباشد.

### ۲. مردمداری

گام دوم این‌که ائمه جماعات باید سعی کنند در آن محل تحقق رسالت خودشان یک پناهگاه برای مردم باشند. با مردم گرم گرفتن، ساده زیستی، با صفا و صمیمیت برخورد کردن، برای بیکاران سعی در ایجاد کار، برای جوانان‌شان سعی در ایجاد وسایل ازدواج، افراد محروم و فقیر را کمک و مساعدت کردن. خلاصه شما را یک برادر محترم و یک پدر دلسوز و مهربان برای خودشان بدانند مشکلات‌شان را با شما در میان بگذارند، شما هم با حلم و حوصله گوش کنید.

گاهی اگر کاری دارند، گوش کنید به حرف‌های آنها، با مردم صمیمی بودن در صحنه زندگی مردم حضور داشتن، راهنما بودن، راهنمایی کردن، مهربان بودن، این‌ها خیلی اثر دارد؛ مثلاً باید امام جماعت بگوید در این محل شما چند نفر فقیر و محروم دارید، چند نفر احتیاج به کمک دارند، به نظر شما چه کمکی باید به این‌ها بکنیم، چند نفر جوانند که باید برایشان وسایل ازدواج فراهم کرد، چند نفر مقروض که سعی در ادای دین آنها باید کرد، چند نفر بیکار که باید برایشان کار ایجاد کنیم، چند نفر هستند که مخارج بیمارستان ندارند، باید برایشان تأمین کرد. خلاصه این‌گونه خدمات، این‌ها خیلی مؤثر است که مردم بدانند این امام جماعت یک پدر مهربان برادر دلسوز و خیرخواه و پناهگاه، این یک کار بسیار بزرگی است.

### ۳. یاد آوری نعمت انقلاب

دیگر آگاه کردن مردم از برکات و مزایای انقلاب؛ چون قرن‌ها دشمنان اسلام در تخریب اسلام می‌کوشیدند و اسلام را آماج تهمت‌ها قرار دادند، این که اسلام چهارده قرن پیش از این، نمی‌تواند دنیای امروز را اداره کند،

حتی اسلام نسبت به زن‌ها نگرش منفی دارد، اسلام طرفدار اغنیاست، اسلام از سیاست جداست، تا جایی که گفتند اسلام افیون ملت‌هاست.

ما باید اسلام را به مردم معرفی کنیم، اسلام سی و چند سال است به این کشور خدمت کرده، ببینید کشور چقدر پیشرفت کرده، از لحاظ مادی و معنوی مسئله تأسیس انرژی هسته‌ای، بنده خودم چندین بار رفته‌ام ببینم به شما هم توصیه می‌کنم چقدر خوب است این جوانانی که در این مرکز انرژی هسته‌ای در نظنز و اصفهان و اراک ببینند. شما پنجاه نفر از ائمه جماعات و جمعه آمده‌اید از آنها قدردانی کنید شما باعث بزرگواری و عزت و افتخار اسلام هستید، این کارها لازم است، چون سابقاً دیوارهای بلندی کشیده بودند ما را از جامعه جدا کرده بودند، دانشگاه از حوزه جدا، حوزه از دانشگاه جدا، امام جماعت از مردم جدا، مردم از امام جماعت جدا، امام؛ این فاصله‌ها را از بین برد، تمام این سدها را شکست، این فاصله‌ها را از بین برد.

### سخن پایانی

خلاصه این‌که ما اسلام را باید به مردم معرفی کنیم. اسلام از جهت انرژی هسته‌ای، از جهت صنعت و طب صنایع نظامی و کشاورزی، خلاصه اسلام را این‌طور معرفی کنیم به مردم، به‌علاوه باید ببینیم این راهی که امام پیش پای ما گذاشته اسلام ناب این است و برکات و ثمرات انقلاب را برای مردم بیان بکنیم.

خلاصه ما هستیم و این مسؤولیت، فضیلت و برکت بسیار زیاد ان‌شاءالله تعالی توفیق پیدا کنید، ما هم در خدمت شما هستیم، بنشینیم و مشکلات را مطرح کنیم، بعضی از مشکلات از جانب بنده است با هم باشیم بتوانیم در دولت و حکومت هر کجا برویم و حرف‌مان را بزنیم. با تشریک مساعی برای خدمت به مردم و گام برداشتن در راه انقلاب تلاش کنیم.

خدا را شکر می‌کنیم که برای ما چنین وسیله‌ای پدید آورد؛ همیشه باید بیدار باشیم و غرب را به دنیا بشناسانیم و در برابر این کینه‌ها و کدورت‌ها و نقشه‌های غرب بیدار باشیم و مردم را از مزایای انقلابمان آگاه کنیم که بفهمند انقلاب چه کرده است.

اللهم سلم الاسلامَ و المسلمینَ اللهم اید عُلَمَاءَ الدینِ و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

## آیت الله العظمی نوری همدانی (دامت برکاته)

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

### ○ ارتباط «اصول دین» با ولایت

﴿وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِبَصَرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾<sup>۱</sup>

اسلام برای ایجاد بستری مناسب با رشد و تکامل انسان ها برای تأسیس امتی که ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾<sup>۲</sup> باشد یک نظام خاصی را مطرح کرده است و آن هم نظام ولایی است  
برای اینکه این نظام تشکیل بشود اسلام اصولی را در نظر گرفته است. اصول دین، فروع دین همه را به نظام



ولایی ربط می دهد. اولین اصل اصل توحید است: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ»<sup>۳</sup>

با دلائل فراوان با هماهنگی با فطرت انسان اصل اول توحید است. در عین حال امام رضا علیه السلام توحید را به عنوان اصل اصیلی معرفی می کند «بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»<sup>۴</sup>. اصل توحید را به ولایت ربط می دهد یعنی توحید در آن صورت که با ولایت توأم باشد.

۱ - انفال : ۲۶

۲ - آل عمران : ۱۱۰

۳ - نهج البلاغه ص، ۳۷

۴ - التوحید ص، ۲۵

اصل نبوت هم اصل بسیار مهمی است بادلائل فراوان مانند «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ»<sup>۱</sup> و «حَرْبُهُ حَرْبِي وَ حَرْبِي حَرْبُ اللَّهِ وَ سَلْمُهُ سَلْمِي وَ سَلْمِي سَلْمُ اللَّهِ»<sup>۲</sup> اصل نبوت را با ولایت پیوستگی داده است.

در مسئله معاد با اینکه اصل بسیار بسیار مهم و متقن است، اما در عین حال ولایت اهل بیت علیهم السلام بسیار بسیار تأثیرگذار است که حضرت امیر علیه السلام خود «قَسِيمُ النَّارِ وَ الْجَنَّةِ»<sup>۳</sup> است. در روایات فراوان آمده است که اگر همه مردم ولایت حضرت امیر علیه السلام را در نظر می گرفتند، خداوند اساساً که جهنم را خلق نمی کرد.<sup>۴</sup> بنابراین اصول اسلامی همه و همه با ولایت پیوند و اتقان دارد.

آن نظامی که اسلام به آن دعوت می کند، نظام نظام ولایی است که پیامبر اکرم حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم:

«لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»<sup>۵</sup>

حضرت باقر علیه السلام: «حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ نِزَامُ الدِّينِ»<sup>۶</sup>

○ ارتباط «فروع دین» با ولایت

۱. ولایت اساسی ترین رکن اسلام

در فروع هم بدون ولایت هیچ عملی قبول نیست؛ حضرت باقر علیه السلام فرمودند: اسلام بر ۵ رکن بنا شده است<sup>۷</sup>: صلاة و زکات و صوم و حج و ولایت ولی ولایت افضل آنهاست و بدون آن هیچ عملی در درگاه پروردگار مورد قبول قرار نمی گیرد: «وَلَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»<sup>۸</sup> بنابراین آن چه که از فرهنگ اسلام استفاده می شود، یک نظام بیشتر مطرح نبوده، آن هم نظام ولایی برابر آن نظام طاغوتی است.

در فرهنگ اسلامی، هر نظامی که منطبق باشد با ولایت، آن نظام ولایی است و براساس جهان بینی اسلامی و ولایی شکل گرفته است و هر نظامی که با این نظام هماهنگ نباشد آن نظام طاغوتی است.

۱- کافی ج: ۱ ص: ۲۸۷

۲- کفایة الأثر ص، ۱۲۱

۳- بحار الأنوار ج: ۷ ص: ۱۹۴

۴- در حدیث قدسی چنین آمده است که: لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ كُلُّهُمْ عَلَيَّ وَ لَوَايَةٌ عَلَيَّ مَا خَلَقْتُ النَّارَ - الأمالی للصدوق ص: ۶۵۷

۵- کافی ج: ۲ ص: ۴۶

۶- حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ نِزَامُ الدِّينِ

۷- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ - کافی ج: ۲ ص:

۱۸

۸- کافی ج، ۲ ص، ۱۸

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در اواخر عمرشان در آستانه ارتحال دو چیز را در انحصار اهل بیت علیهم السلام معرفی کردند: یکی هدایت و دیگری حکومت که این دو چیز در زندگی انسان‌ها بیش از همه چیز سرنوشت ساز و تأثیرگذار است.

حدیث ثقلین را همه می‌دانید از این حدیث استفاده می‌شود که اهل بیت علیهم السلام عدل قرآن می‌باشد و این دو، با هم هماهنگ هستند. اگر کسی از یکی از اینها یا از هر دو جدا باشد در راه ضلالت گام برداشته و دیگر مسئله غدیر خم. اولین موضوع هدایت در انحصار اهل بیت علیهم السلام حکومت است. گفتیم حکومت و هدایت هر دو در انحصار اهل بیت علیهم السلام قرار می‌گیرد.

## ۲. شناخت جریانهای انحرافی

پیامبر معظم اسلام ﷺ پیش بینی فرقه‌هایی را می‌کردند و دغدغه‌ها و نگرانی‌ها برای این موضوع وجود داشت مانند لیبالی مظلومه خواهد آمد و این چنین شد. انحرافی به وجود آمد، هم در موضوع هدایت و هم در موضوع حکومت.

انحراف بنی امیه بعدش بنی عباس اینها جریان‌های بسیار دردآور و مصیبت بار است. حضرت امام سجاد علیهم السلام در صحیفه سجادیه دعای ۴۸ «وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْأَضْحَى وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ»<sup>۱</sup> این «کان»؛ یعنی همیشه حضرت در روز عید قربان و جمعه این دعا را می‌خوانده «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِيُخْلَفَاؤُكَ وَ أَصْفِيَاؤُكَ وَ مَوَاضِعَ أَمْنَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّقِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدْ ابْتَزَوْهَا»<sup>۲</sup> پروردگارا این مقام که از همین دعای ۴۸ علمای بزرگ ما استفاده کردند که نماز جمعه و نماز عید از شئون مقام ولایت است.

حضرت با دل پردردی در هر جمعه و عیدی این دعا را می‌خوانده است این مقام، مقام خلفا و اولیاء و اصفیای توست، ولی دیگران راه انحرافی را پیش گرفتند و آن را غصب کردند «حَتَّى عَادَ صِفْوَتُكَ وَ خُلَفَاؤُكَ مَعْلُوبِينَ مَقْهُورِينَ مُبْتَزِينَ، يَرُونَ حُكْمَكَ مُبَدَّلًا، وَ كِتَابَكَ مَبْذُورًا، وَ فَرَائِضَكَ مُحَرَّفَةً عَنْ جِهَاتِ أَشْرَاعِكَ، وَ سُنَنَ نَبِيِّكَ مَتْرُوكَةً»<sup>۳</sup>

۱ - الصحیفة السجادیة (ع) ص : ۲۳۴

۲ - الصحیفة السجادیة (ع) ص : ۲۳۶

۳ - همان

اولیا و اصفیای پروردگار مغضوب و مقهور و مورد غضب مقام و منزلت قرار گرفتند «وَ كِتَابِكَ مُنْبُذًا، وَ فَرَائِضِكَ مُحَرَّفَةً عَنِ جِهَاتِ أَشْرَاعِكَ، وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ مَتْرُوكَةً»<sup>۱</sup>

اولیاء و اصفیای تو در چنین فضای ظلمانی می بینند قرآن مهجور شده، فرائض تحریف شده است، سنت نبی تو ﷺ متروک شده است این جریان را می بینند. این نمونه‌ای است از اینکه هر وقت انحرافی از مسیر ولایت به وجود بیاید این جریانات هست. برای نمونه عرض می کنم بالاخره بنی امیه بوده و سپری شده، روز به روز ظلمت و چیرگی فضای اسلام را فرا می گرفت، بنی عباس به وجود آمد. آنها هم باز همین راه را پیش گرفتند؛ یعنی ولایت را کنار گذاشتند و به حاشیه راندند و خودشان هم همین طور. قضاوت، افتا، نماز جمعه و جماعات و امثال اینها، خودشان بساطی درست کردند.

ابوهریره هابی و امثال اینها هم افتا شریح قاضی و امثال اینها همه این تشکیلات را به وجود آورده بودند و اهل بیت علیهم السلام را کنار زده بودند و نظام ولایی بالاخره حاکم نبود.

شما علمای بزرگی که بنده توفیق و سعادت است که چند دقیقه‌ای در برابر چهره‌های منور شما صحبت می‌کنم این قصیه دعبل خزائی را زیاد شنیدید ولی این قصیده از یک دل پردردی بر می‌خیزد که همین مصیبت را دارد بیان می‌کند، برای حضرت رضا علیه السلام می‌خواند:

وَ مَا سَهَّلَتْ تِلْكَ الْمَذَاهِبُ فِيهِمْ      عَلَى النَّاسِ إِلَّا بَيْعَةَ الْفَلَتَاتِ<sup>۲</sup>

تمام این مصیبت‌ها در نتیجه انحراف در آن جامعه رخ داد

تُرَاثٌ بِلَا قُرْبَى وَ مُلْكٌ بِلَا هُدَى      وَ حُكْمٌ بِلَا سُورَى بَغَيْرِ هُدَاةٍ<sup>۳</sup>

یعنی به اندازه مصیبت‌ها سنگین شد در نتیجه دوری کردن از اهل بیت علیهم السلام افق سبز در نظر ما به رنگ خون شد.

رَزَايَا أَرْتَنَا خُضْرَةَ الْأُفُقِ حُمْرَةً      وَ رَدَّتْ أُجَا جَاءَ طَعْمَ كُلِّ فِرَاتٍ<sup>۴</sup>

آب شیرین را همیشه در مذاق ما تلخ کرده.

۱ - الصحیفة السجادیة (ع) ص : ۲۳۸

۲ - بحار الأنوار ج : ۴۹ ص : ۲۴۵

۳ - همان

۴ - همان



[وقتی دعبل] این کلمه را که گفت حضرت رضا علیه السلام اشکش جاری شد و گریه کرد؛ چون نظام قدرت لازم دارد.

من دیدم قدرت‌های شما را همه دیگران بردند. نظام قدرت فرهنگی، قدرت سیاسی می‌خواهد قدرت اقتصادی می‌خواهد، تا بتواند به وظیفه خودش عمل بکند. اینها ناکامی‌ها، نمونه‌هایی است که بر جوامع بشری و اسلامی گذشته و نتیجه دوری از اهل بیت علیهم السلام است، نتیجه حاکم نبودن نظام ولایی بر مردم.

همینطور قرن بعد از قرن. ائمه علیهم السلام تا این نظامی که به این ترتیب عرض می‌کنم دنباله همین نظام بنی عباس، غزنویان، سلجوقیان، ایلخانان، تیموریان، صفویه، افشاریه، زندیه، قاجاریه، پهلوی این دنباله همین بنی عباس بودند که هیچ یک از این حکومت‌ها مشروع نیستند و جلوی تابش نور نظام ولایی را نیز به عناوین مختلف گرفتند.

### ۳. حفظ استقلال همه جانبه شیعیان

اما در این میان امام صادق علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام تعلیم می‌کردند که شما شیعه‌ها سعی بکنید که استقلال خودتان را حفظ بکنید مبادا ذوب بشوید در این فرقه‌های باطل.

امام صادق علیه السلام می‌فرمودند به اینها کمک نکنید ولو به بنای مسجد. به هیچ عنوانی به این نظام‌هایی که در برابر نظام ولایی صف کشیدند و طاغوتی هستند «أَيْنَ الظُّلْمَةِ وَأَعْوَانُ الظُّلْمَةِ وَأَشْبَاهُ الظُّلْمَةِ» از این قبیل تعبیرات... استقلال خود را حفظ بکنید.

شیعه و علمای شیعه به زندان‌ها رفتند جرم‌ها و ظلم‌ها را متحمل شدند ولی استقلال خودشان را حفظ کردند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«أَنَّ فِي وِلَايَةِ الْوَالِي الْجَائِرِ دُرُوسَ الْحَقِّ كُلِّهِ وَ إِحْيَاءَ الْبَاطِلِ كُلِّهِ وَ إِظْهَارَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ وَ الْفَسَادِ وَ إِبْطَالَ الْكُتُبِ وَ قَتْلَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ هَدَمَ الْمَسَاجِدِ وَ تَبْدِيلَ سُنَّةِ اللَّهِ وَ شَرَائِعِهِ فَلِذَلِكَ حَرَامُ الْعَمَلُ مَعَهُمْ وَ مَعُونَتُهُمْ»<sup>۲</sup>

خلاصه تأکید فراوان بر شیعیان استقلال و صلابت شان را در برابر این جریان حفظ کنند؛ بنابراین مزده هم می‌دادند که شیعیان ما اهل فتح و ظفرند.

۱ - وسائل الشیعة ج : ۱۷ ص : ۱۸۲

۲ - تحف العقول ص : ۳۳۲

شما بدانید که این جریان های دردناک ادامه پیدا نخواهد کرد. شما با اینها برخورد فیزیکی نکنید، با کسانی که از راه هدایت دور مانده اند؛ حنبلی، حنفی، مالکی و شافعی و امثال اینها جنگ نرم و سرد با امثال اینها. شما استقلالتان را حفظ کنید، ولی بدانید فتح و ظفر با شماسست.

از این جهت برخورد فیزیکی نکنید اما مناظرات داشته باشید تألیفاتتان را داشته باشید، حوزه های خودتان را گرم داشته باشید، تربیت و ارشاد و هدایت مردم گرم باشد، اما ایجاد وحدت را با آنها که حفظ کنید؛ لذا هم در زمان غیبت صغری و کبری علمای بزرگ ما مثل شما عزیزان اداره حوزه ها تعلیم و تصنیف و مناظره و بیدار کردن و هوشیار کردن مردم همچنان برقرار بود.

### • نقش علماء دین در استمرار اسلام ناب

شیخ مفیدی که چندتا توقیع به شیخ مفید برای نمونه یکی از علمای متعهد بسیار بزرگ ما در سال ۴۱۲ «[توقیع] لِلَّاحِ السَّدِيدِ وَالْوَلِيِّ الرَّشِيدِ الشَّيْخِ الْمُفِيدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ أَدَامَ اللَّهُ إِعْرَازَهُ مِنْ مُسْتَوْدَعِ الْعَهْدِ الْمَأْخُوذِ عَلَى الْعِبَادِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَّا بَعْدُ سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَوْلَى الْمُخْلِصُ فِي الدِّينِ الْمَخْصُوصُ فِينَا بِالْيَقِينِ»<sup>۱</sup>

در کتاب شهداء الفضیلة که یکی از آثار گرانبهای ائمه امینی علیهم السلام است احوال ۱۲۰ نفر از علمای شیعه را نوشته که اینها علاوه بر اینکه در میدان علم و فقه و فضیلت پهلوان هستند در میدان جهاد و مبارزه هم قهرمان می باشند. بیشتر اینها در همین راه تشیع کشته شدند مثل شهید اول؛ و شهید ثانی؛ در راه برقرار ساختن تشیع در راه صلابتی که داشتند، در برابر دشمنان اهل بیت علیهم السلام مقاومت کردند و کشته شدند.

یکی از اینها استاد شیخ مفید علیه السلام به قول علامه امینی ابوالحسن علی بن عبدالله ناشع مرد بسیار بزرگی است در فقه و فضیلت و کلام و مهارت فنی در فن ادب و اشعار.

آن وقت نوشته این شخصیت زنده زنده سوزانده می شوند. علمای شیعه در طول تاریخ برای حفظ تشیع که سفارش امام صادق و ائمه علیهم السلام بود، مبارزه هایی داشتند زحمت ها کشیدند خون دل ها خوردند با دل پردردی کارهای خودشان را انجام دادند. این جنایات همچنان بود.

۱ - الاحتجاج ج: ۲ ص: ۴۹۷

می دانید که شیعه همینطور تحت سیطره بود در اقلیت بود این چنین بود این همه مستکبران خوابشان آشفته و دلشان به درد آمد که شیعه چرا این قدر پیشروی و ترقی دارد و فرهنگ خودش را به دنیا می شناساند. چون قیامی از غیر شیعه انتظار نمی رفت.

سنی ها معتقدند به اینکه هر کس حاکم شد باید در برابرش تسلیم شد. یک تفاوت بسیار بارز میان ما و آنهاست. آنها معتقدند که هر کسی که حکومت کرد اولی الامر است. اولی الامر اما و امثال اینها معنا میکنند و از این جهت در برابرشان تسلیم هستند.

### • آمادگی مستمر برای دفاع از حکومت عدل جهانی

بعلاوه سنی ها از یک مجتهد حی تقلید و تبعیت نمی کنند. ابوحنیفه و شافعی و مالکی، این امتیاز شیعه است از یک مجتهد حی مدیر و مدبری تقلید و پیروی می کند به امام حی که در هر جلسه ای و در هر جریان حاضری دارد از او پشتیبانی می کند منتظر ظهورش است که حتی شما شب به خواب می روید منتظر ما باشید که صبح امام عصر شما قیام بکند همیشه مهیا باشید.

«لِيُعِدَّنَ أَحَدَكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا»<sup>۱</sup>

امام صادق فرمود هر کدام از شما برای ظهور حضرت مهدی ولو یک تیری باشد، آماده کنید.

هر روز صبح دعای عهد بخوانید پیمان ببندید و بگویید «فَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرِّدًا قَنَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي»<sup>۲</sup> قیام از این فکر از این اندیشه قیام در برابر نظام های طاغوتی انتظار می رود و همینطور هم شد الحمدلله. ما باید نسبت به زمان خودمان آشنایی کامل داشته باشیم؛

«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوْائِسُ»<sup>۳</sup>

بنابراین در زمان ما یک حادثه بسیار بزرگی به وقوع پیوسته بعد از اینکه شیعه ها نظام اهل بیت علیهم السلام و نظام ولایی قرن ها این چنین کوبیده می شدند زیر سم اسب های سلاطین جور و طاغوت؛ لذا زمان شناس باید باشیم.

۱ - بحار الأنوار ج : ۵۲ : ص : ۳۶۶

۲ - مستدرک الوسائل ج : ۵ : ص : ۷۴

۳ - کافی ج : ۱ : ص : ۲۷

• نمونه بارز عالم به زمان

«قَالَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمْ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ لَا تُزَلُّهُمْ الرِّيحُ الْعَوَاصِفُ وَلَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَلَا يَجْبُونُ وَ عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»<sup>۱</sup>

این از کتاب تاریخ قم نقل می کنیم که مولف کتاب معاصر شیخ صدوق است سال ۳۸۱ هجری قمری. این حدیث در آن کتاب است. بیش از ۱۰۰۰ سال است که مردی از اهل قم قیام می کند و مردم را به حق دعوت می کند، مردم مثل قطعات آهن سفت و سخت هماهنگی دارند به طوری کسانی با او هماهنگ گام بر می دارند، خسته نمی شوند و نمی ترسند و به خدا توکل می کنند؛ یعنی یک فقیهی فرزانه و مدیر و مدبر و شجاع با فکر خلاق و اندیشه ای موج و عارفی حماسه آفرین قهرمان میدان علم و قلم و بیان مجاهدی توانا فریادگری با صلابت.

کار بسیار بزرگ است. کار بسیار بزرگ است. با دلی به وسعت دریاها و همت و اراده ای به بلندی کوه ها امام خمینی؛

بنده همیشه در ملاقات ها به علما و غیر علما تاکید می کنم که سه کتاب را مطالعه بکنید تا به عمق این حرکت بیشتر توجه بکنید:

اول صحیفه نور ۲۲ جلد که تمام کلمات و بیانات امام علیه السلام در این کتاب وجود دارد، که ببینیم این کلمات از چه دلی برخاسته و از چه روحی این نشأت می گیرد، برداشتش از اسلام به چه شکلی است

دوم: دفتر تبیان که ۵۰ جلد است کلمات امام؛ را دسته بندی کردند ۵۰ جلد شد. یک جلد انقلاب و مردم، انقلاب و سپاه پاسداران، یک جلد ایثار و شهادت، استکبار و استبداد و حدودا ۵۰ جلد است. اینها کتاب های بالینی ما باید باشد.

سوم: وصیت نامه امام؛ بنده آن موقع که امام علیه السلام در نوفل لوشاتو بودند، خدمتشان رسیدم. یک شب که بنده در پاریس بودم آن شب تلویزیون پاریس، اول واتیکان و پاپ را نشان داد. واتیکان خودم رفتم در ایتالیا و رم تشکیلاتی است برای پاپ چقدر عریض و طویل و کاخ ها و آسانسورها و کتابخانه ها. تلویزیون گفت این پاپ است. این پاپ پیشوای ماست. اما از ایران یک نفر پیشوایشان آمده اینجا یک عبایی بر دوش عمامه ای بر سر

۱ - بحار الأنوار ج : ۵۷ ص : ۲۱۶

و نعلین بر پا دارد و خرج این آدم به اندازه کف دست نان و یک سیب زمینی یا یک تخم مرغ. همین. اما قصدش چطور؟ تمام استکبار را می خواهد قلع و قمع بکند.

فکر این است که استکبار و استبداد را از ایران ریشه کن بکند. نه فقط ایران بلکه می خواهد محرومان و



مستضعفان جهان را پر و بال بدهد در برابر شکستن هیمنه مستکبران. این کار ما بود. کار بسیار بزرگی بود. آمد ایران، حرکت کرد به طرف ایران و انقلاب را پیروز کرد و توانست یک رژیم ۲۵۰۰ ساله را که می-گفت کوروش آسوده بخواب که

ما بیداریم. این نظام را این رژیم را سرنگون کرد و توانست یک نظام قدرتمندی بسازد.

#### • ثمرات انقلاب اسلامی

این یادگاری های امام. دستاوردهای انقلاب فراوان است. افتا را به شما برگرداند، قضا را به شما برگرداند، حکومت را به شما برگرداند، نماز جمعه ها را برگرداند.

خلاصه آنچه را که ظالمان از دست عترت علیهم السلام گرفت تمام را به شما برگرداند. این خدمت بسیار بسیار بزرگی است. امام حاصل تجارب خود را در این وصیتنامه نوشت. ۸ سال جنگ تحمیلی که تمام قدرت های استکباری را توانست پشت سر بگذارد. کار بسیار بزرگی بود.

#### • وظیفه ائمه جماعات در پاسداشت انقلاب اسلامی

حالا این ما هستیم در مقابل این دستاورد و این برکات که به وجود آمده. وظیفه ما عزیزان طلاب حوزه علمیه قم و شما علما بسیار سنگین است.

## ▪ مرزداری از جغرافیای فرهنگی

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«عَلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ بِالتَّغْرِ»<sup>۱</sup>

علمای شیعه ما مرزدارانی هستند در برابر شیاطین و لشکر شیاطین. یک مرزداری داریم که مال لشکر و ارتش است. مرز هوایی و مرز دریایی... همه شان مرزداران هستند. اما شما مرزداران هستید؛ بنابراین شما و ما وظیفه مان بسیار بسیار سنگین است در برابر این رویدادی که به وقوع پیوسته است. خلاصه عزیزان و علمای بزرگ و محترم خودتان را کوچک نشمارید. اتحاد و وحدت شما. بصیرت و بینایی شما، آگاه کردن شما مردم را خیلی موثر است.

---

۱ - تفسیر الإمام العسکری ص: ۳۴۳



## آیت الله العظمی علوی گرگانی (دامت برکاته)

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

و اما بعد: قال الله تبارک تعالی فی محکم کتابه الکریم و اعوذ بالله من الشیطان الرجیم:

﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾<sup>۱</sup>

البته من حقیقتش این است که خودم را لایق نمی دانم که امشب بتوانم به محضر شما عزیزان عرض ارادت بکنم.

خدا رحمت کند مرحوم آیت الله العظمی اراکی رحمته یک موقعی من محضرشان شرفیاب شدم که از محضرشان کسب فیض اخلاقی بکنم.

من خیلی به ایشان علاقه خاصی داشتم. رفتم محضرشان به ایشان عرض کردم آمده ام محضر شما از محضر شما استفاده اخلاقی بکنم، یک فیضی ببرم.

ایشان فرمودند فلانی من چگونه می توانم شما را نصیحت بکنم در حالی که خودم غافلم. گفتند که کسی باید معلم اخلاق باشد که خودش واجد اخلاق باشد.

ایشان نهایت تواضع خودشان را در این جهت نشان دادند. این واقعیت است. صحبت کردن و بیان کردن خود بنده واقعا بینی و بین الله وحشت دارم از اینکه آیا آنچه را که می خواهم خدمت شما عزیزان عرض بکنم آیا خودم توفیق عملش را دارم خودم موفق هستم آیا خدا از من راضی است. امیدوارم که خداوند توفیق عمل به شما بفرماید.

### • نقش اساسی علماء دین و ائمه جماعات

من امشب شما را دعوت می کنم به سر سفره وجود مبارک حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از بیانات و کلمات این شخصیت بزرگوار بهره ببرید دنبال ذیل آیه، مرحوم صدوق؛ در خصالشان این حدیث را نقل کرده است. از امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام عن ابيه از پدر بزرگوارشان امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام ایشان می گوید:

«صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتْ أُمَّتِي وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَتْ»<sup>۱</sup>

دو دسته از امت من هستند که اگر اینها اصلاح بشوند امت من اصلاح می شوند این دو دسته اگر خدای نخواستند جور دیگری باشند امت من همانطور هستند:

«قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ هُمَا؟!»<sup>۲</sup>

آن دو دسته چه کسانی هستند؟

«قَالَ الْفُقَهَاءُ وَالْأَمْرَاءُ»

یک رکن اجتماع ما روی دوش مبارک شماست. یک رکن اجتماع روی دوش مبارک امراء است. ببینید حضرت دوتا را قشنگ توأم با هم کرد؛ الدین و الدنيا.

رکن دین به دست مبارک شماست. رکن دنیا به دست امراست. اگر من و شما اصلاح شدیم برای جامعه مسلم بدانید پیروان شما هم اصلاح می شوند. اگر خدای نخواستند ما ناجور باشیم پیروان ما هم همینطورند. اینکه خدا در قرآنش می گوید «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» بعد می گوید: «يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أَوْلُوا الْأَلْبَابِ»؛ یعنی چه؟ یعنی مردم عوام نمی دانند؟ چطور شده که علم استواء را خدا روی اولی الالباب گذاشته؟! چرا فرموده «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أَوْلُوا الْأَلْبَابِ»؛ جان جواب مطلب «يَتَذَكَّرُ» است. «يَتَذَكَّرُ» مهم است. دانستن مشکل نیست.

۱ - الخصال ج : ۱ ص : ۳۷

۲ - همان



همه می دانند که عالم کجا غیرعالم کجا. ﴿هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ﴾<sup>۱</sup>. قرآن چقدر بیان کرده؛ آیا مرده و زنده یکی است، سایه و روشنایی یکی است.

همه حرف این است که عامه مردم این را می دانند اما عمده یتذکر است. تذکر خیلی مسئله مهمی است. نگاه بکنید يَعْلَمُ نیست.

صاحب لبّ می فهمد؛ چه چیزی را می فهمد؟ عدم تساوی را. از چه نظر؟ ثواباً عقاباً بصراً.

### • عمل گرائی ائمه جماعات

بعضی از علما دیدید در مسجدهایشان اهل نمازند، اهل تقوا هستند، اما آن چنان در دل مردم جا باز کردند که اینها مردم را دعوت به خدا کردند که راستی راستی آدم که می رود در مسجد می بیند که حالت معنویت در مسجد است.

می گوئیم آقا شما دست نشانده و پرورش یافته چه کسی هستید؟ می گوید فلان عالم. بارک الله.

اما گاهی انسان می رود در مجلس هایی و مسجدهایی که می بینیم مردمشان پیاده اند، حالت معنوی و روحانیتی ندارند؛ چرا شما اینطوری هستید؟ می گویند ما با فلان آقا هستیم. اینی که ائمه ما فرمودند که «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ» منظور این است.

دعوت عملی داشتن خیلی مهم است. با عمل تان مردم را دعوت بکنید. با حرکات تان مردم را دعوت بکنید.

#### ۱. وقار

وقتی که یک فرد روحانی و امام جماعت که می آید به مسجد با یک وقار: «إِذَا دَخَلْتُمُ الْمَسَاجِدَ فَادْخُلُوا بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ»<sup>۲</sup> وقتی که وارد مسجد می شوید به سکینه داخل بشوید.

یک فرد روحانی یک امام جماعت وقتی که می آید به مسجد آن چنان می آید که مردم همه از جا بلند بشوند و احترامشان بکنند. بارک الله.

اما اگر خدای نخواستہ آدم وارد مسجد بشود با حالتی که من نمی توانم بیان بکنم، بعضی ها انگار توجه ندارند که کجا دارند می روند. توجه ندارند که خانه چه کسی می روند. توجه ندارند برای کیست و چیست؟!.

۱ - انعام : ۵۰

۲ - کافی ج : ۲ ص : ۷۹

۳ - این روایت در منابع شیعی یافت نشد ولی مضمون این روایت در رابطه با مسجد الحرام وارد شده است: إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَادْخُلْهُ حَافِيًا عَلَى السَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ وَالْخُشُوعِ - کافی ج : ۴ ص : ۴۰۱

امام جماعت پیشوای مردم است. روزی که همه ما را صدا می‌زنند به امامشان صدا می‌زنند. قرآن کریم می‌فرماید. خدا می‌گوید مردم را صدا می‌زند به امامهم ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾<sup>۱</sup> یعنی بنده را می‌آورند می‌گویند حاج آقا شما بیایید جواب اینها را بدهید. شما را می‌آورند!

حضرت می‌فرماید برادران عزیزم شما رکن رکن اسلام و دین را با سلوک عملی تان محکم کنید. کاری نکنید که وجودتان معرف الهی، معرف پیامبر ﷺ، معرف عقیده، معرف مقام ولایت، معرف مقام ائمه عليهم السلام باشد. ما با عملمان نشان می‌دهیم به مردم، فقط به زبان نباشد. خدای نخواستہ که جزء مصداق این آیه نباشیم که:

- ﴿كَبْرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾<sup>۲</sup>

## ۲. تواضع

خدا رحمت کند مرحوم آیت الله العظمی شیخ مرتضی انصاری رحمته الله وقتی که مرحوم آیت الله العظمی صاحب جواهر؛ فوت کرد، علما ریختند به سر شیخ انصاری؛ که آقا شما باید به سمت مرجعیت بروید. شیخ فرمود نه. از من جلوتر، آیت الله العظمی آقای سعید العلماست، سعید العلماء از من پیش است. او را مرجع قرار بدهید. نامه نوشتند. خود مرحوم شیخ انصاری؛ زحمت کشیدند نامه نوشتند که تشریف بیاورید به نجف چون مرکز ثقل علم اینجاست که ما بتوانیم از وجود شما بهره مند بشویم و من شما را از خودم اعلم می‌دانم. تواضع است. من شما را اعلم می‌دانم. تشریف بیاورید نجف تا مردم از شما استفاده نکنند.

به محض اینکه نامه رسید به سیدالعلماء در مازندران قرائت کردند جواب دادند به شیخ، اگرچه آنچنان است که شما نوشتید. آن زمانی که من نجف بودم همینطور بود. اما امروز من در اینجا هستم آن سمت شما را ندارم، آن حضور ذهن شما را ندارم. شما الان شخصیت قابلی هستید برای مرجعیت.

موقعی که نامه سعید العلماء را به دست شیخ دادند رفتند منزل شیخ نامه را بدهند دیدند شیخ نیست. کجا هست؟ رفتند محل درس دیدند نیست. دنبال شیخ گشتند که نامه را به دست شیخ بدهند. یک وقت، خبر آوردند که جواب نامه حاج آقا را به ایشان رسانده بود. یک چنین جوابیه ای است. دیدند شیخ در جوار قبر مولی امیرالمؤمنین عليه السلام نشسته و دارد گریه می‌کند. تمام صورتش اشک مبارکش جاری است. گفتند یا شیخ شما چرا نشسته اید. فرمود وای به حال من. برنامه ای به دستم دادند مسئولیت سنگینی که نمی‌دانم مرتضی می‌تواند این بار را به دوش بکشد یا نه. من اینجا در جوار حضرت گفتم که آقا جان تو باید مرا کمک کنی.

۱ - اسراء : ۷۱

۲ - صف : ۳

این بزرگان ما و پیشوایان ما چه چیزی به ما می خواهند بگویند، برادران عزیز، نور چشمان ما، شما را به خدا در پستی که دارید، احساس مسئولیت بکنید؛ در امامت جماعت بودن تان در مسجد بودن تان.

### ۳. مخاطب شناسی

شما دو دسته مردم را بیشتر نمی توانید هدایت بکنید، سومی ندارد؛ یحیی بصری از امام صادق علیه السلام نقل می کند؛  
علما دو دسته از مردم را می توانند موعظه بکنند. دسته سوم را نمی توانند:

«إِنَّمَا يُؤْمَرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيُنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مُؤْمِنٌ فَيَتَعَزَّزُ أَوْ جَاهِلٌ فَيَتَعَلَّمُ وَأَمَّا صَاحِبُ سَوْطٍ أَوْ سَيْفٍ فَلَا»<sup>۱</sup>

فرمود شما دو دسته را می توانید موعظه بکنید: یک مؤمنی که می خواهد موعظه بشود و یا جاهلی می نشیند که می خواهد چیز یاد بگیرد

این دو دسته را می توانید فقط موعظه بکنید. اما سومی چطور؟ «وَأَمَّا صَاحِبُ سَوْطٍ أَوْ سَيْفٍ فَلَا» اما کسی که صاحب زور است، صاحب شمشیر است، این دیگر پای منبر و موعظه نمی نشیند.

ان دو گروه اول منتظرند که از وجود مبارک شما بهره مند بشوند و از وجود مبارک شما فیض ببرند.

تو را به خدا کاری نکنید که پا منبری ها از من و شما جلو باشند. مبدا اینطوری باشند. مبدا این کسی که پای منبر است، جلو باشد. فردا باید به آقایان جواب بدهیم.

مردم از برکت ما بهشت بروند ان وقت ما. بیایید برادران عزیز چند جمله ای که امشب مصدع شدم یادگاری داشته باشید. تو را به خدا به عملتان بیشتر برسید. از دایره گفتار خودتان پا به کردار بگذارید. چطور؟ ﴿وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ﴾<sup>۲</sup> دعوت به خدا بکنید به عملتان، به چیزی که خدا به شما اجازه داده ﴿وَسِرَاجًا مُنِيرًا﴾<sup>۳</sup> چراغ بسیار تابنده ای برای مردم باشید که مردم بتوانند در تاریکی ها از وجود شما فیض ببرند.

از خداوند تبارک و تعالی خواستارم که خدا چنین توفیقی را هم به من روسیاه و هم به شما عزیزان مرحمت بکند که آن چیزی را که خدا می خواهد ما بتوانیم در جامعه هدایت بکنیم .

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱ - کافی ج : ۵ : ص : ۶۰

۲ - احزاب : ۴۶

۳ - همان